



بررسی فرصت‌های ج.ا.ایران در فضای رقابت‌های سیاسی - نظامی چین و آمریکا در افق ۲۰۳۰

قدرت‌الله بهبودی‌نژاد^۱

چکیده

روابط چین و ایران ریشه در همکاری محدود عملگرایانه دارد اما در سالهای اخیر به مشارکتی تبدیل شده است که بیشتر با نظم بین‌المللی تحت رهبری ایالات متحده مخالف است. پکن مخالفت تهران با ایالات متحده را سبب افزایش نفوذ جهانی خود می‌داند. اقدامات ایران در خاورمیانه و نیز تلاش‌های ایالات متحده برای تغییر تمرکز خود بر ایندو - پاسیفیک موضوع را پیچیده‌تر می‌کند. ایران چین را به عنوان عامل حیاتی اقتصادی و حامی دیپلماتیک خود در برابر فشارهای ایالات متحده می‌داند. از نظر اقتصادی، چین بزرگترین شریک تجاری ایران، وارد کننده برجسته انرژی و سرمایه‌گذار برتر می‌باشد. توافقنامه همکاری ۲۵ ساله که در مارس ۲۰۲۱ امضا شد، آخرین نشان از تمایل دو طرف برای هماهنگی بیشتر است. سوال این است که چه فرصت‌هایی برای ایران در فضای رقابتی چین و آمریکا در آینده ممکن است بوجود بیاید؟ این پژوهش، اهداف دیپلماتیک و سیاسی - اقتصادی پکن در قبال تهران و فضاهای بوجود آمده ناشی از رقابت بین دو ابرقدرت برای ایران و نیز محدودیت‌های ژئوپلیتیکی قابل توجه در این رابطه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: پهپاد؛ ایران، چین، آمریکا، ژئو اکونومیک

مقدمه و بیان مسئله

ایران که سال‌ها از فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی رنج می‌برد، به تدریج روابط خود را با چین که در حال تبدیل شدن به یک شریک استراتژیک مهم است، عمیق‌تر می‌کند. از نظر اقتصادی، چین بزرگترین شریک تجاری ایران، واردکننده برجسته انرژی و سرمایه‌گذار برتر می‌باشد. دو کشور همچنین دارای روابط نظامی دیرینه‌ای که شامل همکاری قوی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و همکاری‌های معتدل امروز، با تعاملات نیمه‌منظم مانند همکاری‌های نظامی سطح بالا، تمرینات و تماس‌های بندری می‌باشد، هستند. توافق ۲۵ ساله تهران و پکن در مارس ۲۰۲۱ نشان‌دهنده تعمیق روابط بین دو کشور است که با تقویت هماهنگی دو کشور در موضوعات مورد علاقه دو طرف، همچنان در حال رشد می‌باشد.

با وجود مشارکت استراتژیک پایدار طرفین، پکن رشد روابط دوجانبه خود را با دقت تنظیم کرده است تا منافع دیگر خود در منطقه را هم تأمین کند. اگرچه چین به دنبال براندازی کامل ثبات ارائه شده توسط ایالات متحده در خاورمیانه نیست، اما افزایش هماهنگی چین و ایران، اثر سیاست‌های مهم ایالات متحده مانند تحریم‌ها را تضعیف می‌کند. در همین حال، تأیید ضمنی پکن مبنی بر حمایت از برنامه موشکی ایران، می‌تواند منافع آمریکا در منطقه را همچنان در معرض خطر قرار دهد.

مرور ادبیات موضوع

یوهانسون (۲۰۱۹) در مقاله که نقش چین را در مذاکرات برجام بررسی می‌کند مدعی است که چین به عنوان میانجی بین منافع ایران و آمریکا عمل کرده است (Johanson, 2019: 164). کلر و کاتزمن (۲۰۱۸) در مقاله "خروج آمریکا از توافق هسته‌ای" ابتکار کمربند راه را به عنوان یک ابزار ژئوپلیتیک و تجارت نفت خام را به عنوان یک عامل ژئو اکنومی در روابط بین ایران و چین معرفی می‌کنند (Kerr & Katzman, 2018: 22). ایزدی و خدایی (۲۰۱۷) با تجزیه و تحلیل "نقش ایران در روابط بین چین و آمریکا"، به مسئله ایران به عنوان اولویت بالای سیاست خارجی آمریکا و نقش چین به عنوان مهمترین شریک اقتصادی ایران

و بخشی از برجام نگاه می‌کنند (Izadi and Khodaei, 2017: 322). هاردولد و نادر (۲۰۱۲) در مقاله "چین و ایران: روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی" ادعا دارند که، همکاری چین برای استراتژی آمریکا در فشار آوردن بر ایران ضروری است، زیرا این کشور بزرگترین شریک تجاری جمهوری اسلامی ایران است. چین به دلیل مشارکت عمیق بین دو کشور از مشارکت در تحریم ایران خودداری کرده است. (Harold & Nader 2012: 1). دستگردی و دهکردی (۱۳۹۷) در مقاله "بررسی حضور چین در خلیج فارس از منظر سیاسی و اقتصادی" ادعا دارند که با تاکید بر روابط چین و ایران رگه‌هایی از سیاست دوگانه چین در قبال ایران دیده می‌شود، پکن از طرفی در صدد متقاعد نمودن رهبران آمریکا است که این کشور شریک مسئول و خواهان حفظ رژیم ان.پی.تی است؛ اما از طرف دیگر، به ایران در گرفتن زمان، فضای بین‌المللی و کمکهای اقتصادی ضروری برای به نتیجه رسیدن برنامه‌های صلح آمیز هسته‌ای خود کمک می‌کند. همانطور که اشاره شد بخشهای زیادی از تحقیقات راجع روابط ایران و چین نوشته شده است. اما این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد ژئواکونومیک تلاش می‌کند فرصت‌های ج.ا.ایران در فضای رقابت‌های سیاسی - نظامی چین و آمریکا در افاق ۲۰۳۰ را بررسی نماید.

ژئواکونومیک

ژئواکونومیک شاخه‌ای از ژئوپلیتیک است که تلاش می‌کند استفاده از قدرت نظامی را در دنیای بحرانی امروز کمتر کند و در عوض آن را با نوع جدیدی از ابزار قدرت، مانند اقتصاد جایگزین کند. از آنجا که اقتصاد یک کشور در حال پیشرفت، دارای اهمیت بین‌المللی است، دولت‌ها در تلاشند نمایندگی ژئوپلیتیک خود را با ژئواکونومیک جایگزین کنند (Luttwak, 1990: 17). لوتواک (۱۹۹۰) ادعا می‌کند که دولت‌ها در دهه‌های آینده بیشتر از بعد ژئواکونومیک عمل خواهند کرد زیرا می‌خواهند از یکدیگر پیشی بگیرند و اقتصاد ابزار جدیدی است که می‌توانند از آن در این رقابت استفاده کنند زیرا هزینه آن بسیار کمتر از جنگ است. این اقدامات دولت‌ها مادامی که بازیگران اقتصادی سعی کنند بر نتایج سیاسی متناسب با نیازهای آنها تأثیر بگذارند در راستای تأمین امنیت و حفظ قدرت آنها می‌باشد. لوتواک بیان می‌کند که منطق تجارت رقابت را دیکته می‌کند در حالی که منطق تعارض ضرورت همکاری را تعیین می‌کند.

کند. بنابراین، دولت‌ها تمایل دارند که علیرغم رقابت اقتصادی یا درگیریها اتحاد خود را حفظ کرده و این اختلافات را حل و فصل کنند تا از آسیب زدن به روابط سیاسی جلوگیری شود (Luttwak, 1990:20).

کشورها می‌توانند از ابزارهای اقتصادی به عنوان سلاحی علیه دشمنان خود استفاده کنند. امروزه، اگر دولت‌ها برای حفظ انسجام داخلی به تهدید مشترک نیاز داشته باشند بدون شک مهمترین آنها تهدید اقتصادی است. (Luttwak, 2000: 129). در نتیجه، فرضیه‌های اصلی ژئواکونومی این است که قدرت نظامی دیگر ضامن اصلی امنیت یک دولت نیست و دولت‌ها دیگر تنها بازیگران قدرتمند در محیط بین‌المللی نیستند، زیرا شرکتهای بزرگ اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند و قادرند دولت‌ها را تحت تأثیر قرار دهند.

اگرچه از قدیم استفاده از ابزارهای اقتصادی در سیاست وجود داشته ولی پس از جنگ سرد و جهانی شدن که رویکردهای اقتصادی مورد توجه بیشتر قرار گرفتند، بحث ژئواکونومی نیز روزه‌روز در سیاست‌های داخلی و خارجی و به‌عنوان یک روش نوین کشورداری مطرح شد. با وجود اینکه از نظر نسبت، ژئواکونومی شاخه‌ای از ژئوپلیتیک است، ولی تفاوت‌هایی با آن دارد و بازیگران متعددی در آن درگیر می‌شوند که بر پیچیدگی این رویکرد می‌افزاید. ابزارهای مورد استفاده در ژئواکونومی نیز علاوه بر تعدد و تنوع زیاد، عمدتاً از نوع ابزارهای قدرت نرم بوده بر پیچیدگی نظام بین‌الملل می‌افزایند. در سیاست داخلی و امور کشورداری نیز توجه به این رویکرد موجب تقویت زیربناها و زیرساخت‌های قدرت ملی شده و به افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشورها کمک می‌کند که این امر موجب تغییر رفتار و جایگاه کشورها در نظام ژئوپلیتیک در راستای تحصیل منافع ملی می‌شود. در خصوص روابط ایران و چین به‌نظر می‌رسد تحلیل روابط از دیدگاه ژئواکونومیک می‌تواند موجب باز شدن زاویه جدید و واقع‌بینانه‌ای به فهم مسائل بین‌دو کشور شود (مختاری، ۱۳۹۷: ۵۸).

روابط سیاسی

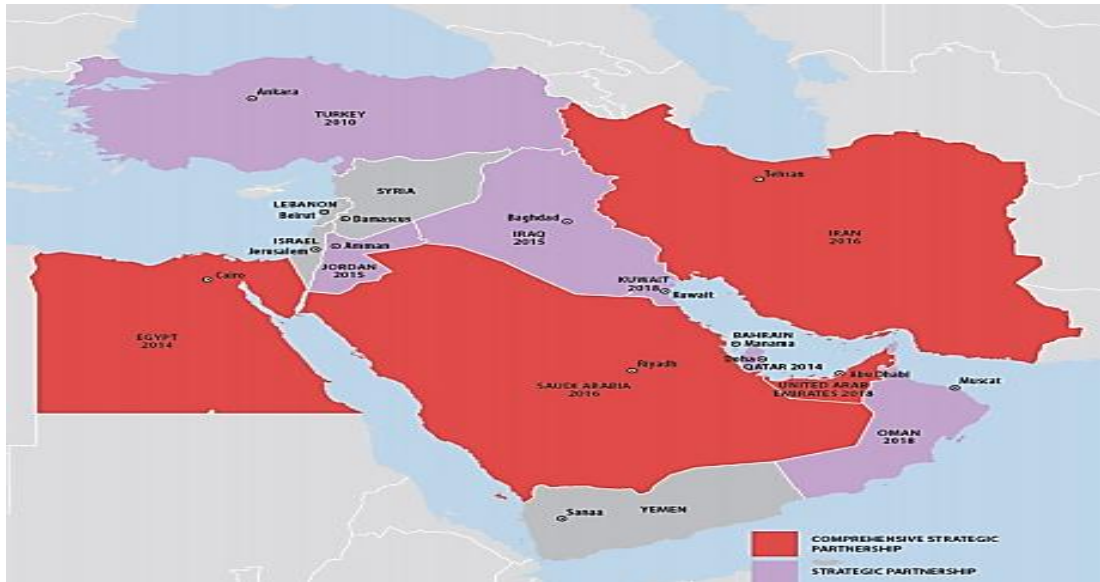
ریشه روابط چین و ایران در همکاری‌های عملگرا در زمینه‌های مورد علاقه دو کشور است، اما در سال‌های اخیر می‌رود که به مشارکتی استراتژیک تبدیل شود که بیشتر با نظم بین‌المللی تحت

رهبری ایالات متحده مخالف است و با ارزش های جهانی مانند حقوق بشر تعریف خاص خود را دارند. از آنجا که چین خود را به عنوان جایگزینی برای رهبری جهانی ایالات متحده معرفی میکند، این پویایی اهمیت بیشتری پیدا میکند. بر این اساس، نخبگان حاکم چینی و ایرانی مرتباً نظم بین المللی تحت رهبری ایالات متحده را مورد انتقاد قرار می دهند و هر دو کشور آن را ناعادلانه و تک قطبی می دانند که منافع آنها را تهدید می کند (Holmquist and Englund, 2020).

ایران به نوبه خود چین را به عنوان یکی از تنها قدرتهای جهان می داند که توانایی محافظت دیپلماتیک از ایران را در برابر فشارهای آمریکا دارد. در عین حال، دولت چین همواره در تعامل با ایران فرصت طلب بوده است و زمانی که پکن این کار را در جهت منافع ملی خود نداند، از حمایت از دشمنان منطقه ای ایران مانند عربستان دریغ نمی کند.

در سال های اخیر، پکن به طور منظم در اختلافات با واشنگتن طرف تهران را می گیرد. در سال ۲۰۱۹، زمانی که ایالات متحده در حال اعمال فشار بر ایران برای اتهام اقدامات بی ثبات کننده خود در منطقه بود، شی جین پینگ اعلام کرد: "مهم نیست که چگونه وضعیت بین المللی و منطقه ای تغییر می کند، عزم چین برای توسعه مشارکت استراتژیک جامع با ایران بدون تغییر باقی خواهد ماند، او برای حفظ آرامش و خویشتن داری و جلوگیری از تشدید بیشتر تنش ها از ایالات متحده خواست از زور سوء استفاده نکند. China's Foreign Ministry, Foreign Ministry, (2020).

علی رغم حمایت لفظی از تهران، چین نگران است که مقابله بیشتر ایران و امریکا باعث درگیری آنها و مانع دسترسی چین به بازارهای انرژی منطقه مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی شود (Holmquist, 2020). رابطه پکن با کشورهای عربی خلیج فارس به منظور تامین نیازهای فزاینده خود در زمینه انرژی مدام رو به گسترش است. (شکل ۱).



شکل ۱: مشارکت های استراتژیک چین در خاورمیانه

منبع: شورای آتلانتیک: <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/report/china-s-changing-role-in-the-middle-east->

نقش ایران در تقویت جایگاه سیاسی چین

چین از سال ۲۰۱۵ به طور قابل توجهی تعامل دیپلماتیک خود را با ایران افزایش داده است، همزمان با امضای قرارداد هسته ای ایران و کاهش تدریجی تحریم های بین المللی علیه ایران، وزیر امور خارجه شی در سال ۲۰۱۶ به ایران سفر کرد (Sharafedin 2016) چین از این سفر استفاده کرد تا روابط دوجانبه را به "مشارکت استراتژیک جامع" ارتقا دهد، که یکی از بالاترین سطوح در دیپلماسی مشارکتی چین است. پکن همچنین متعهد شد که همکاری های دوجانبه را در زمینه های مختلف مانند علم و فناوری، رسانه و سرمایه گذاری گسترش دهد (China's Ministry of Foreign Affairs, 2020).

. در مارس ۲۰۲۱، پکن و تهران توافقنامه همکاری ۲۵ ساله خود را که از سال ۲۰۱۶ در حال مذاکره بود، نهایی کردند. در حالی که ایران از این توافق به عنوان نقشه راه کامل روابط در آینده یاد می کند، چین اصرار دارد که این توافق فقط یک چارچوب کلی برای همکاری چین و ایران است

(Connor, 2020). پکن با امضای این توافق نامه به دنبال این هست که به واشنگتن هشدار دهد که چین ظرفیت همکاری با دشمنان آمریکا را برای تضعیف نفوذ آمریکا در منطقه را دارد. یکی دیگر از اهداف چین از مشارکت جامع این است که جاه طلبی های تهران برای دستیابی به سلطه منطقه ای آمریکا را درگیر خاورمیانه می کند و از تمرکز نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی واشنگتن به حوزه ایندو-پاسیفیک می کاهد. منطقه ای که برای منافع ملی چین بسیار مهم است (Alterman, 2019). بنابراین دخالت عمیق تر واشنگتن در خاورمیانه برای پکن مطلوب است و سبب میشود از توانایی واشنگتن برای توجه و فشار بر چین کاسته شود. اقدامات نظامی ایران نه تنها از تمرکز بیشتر ارتش آمریکا بر ایندو پاسیفیک جلوگیری می کند (Alterman 2019:5) بلکه ایالات متحده را تحت فشار قرار می دهد تا به نقش خود به عنوان ضامن امنیت منطقه ای ادامه دهد و تداوم این روند به پکن اجازه می دهد از حضور نظامی ایالات متحده در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در جهت تامین امنیت آزادانه انرژی خود استفاده کند.

سیاست توازن منطقه ای چین

با وجود عوامل راهبردی پایدار در پشت مشارکت قرارداد چین و ایران، حضور روزافزون چین در خاورمیانه در دو دهه اخیر و روابط نزدیک آن با دشمنان و رقبای منطقه ای ایران، مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی، به عنوان عوامل محدود کننده مهم در روابط دوجانبه بین دو کشور عمل می کند. استراتژی چین در خاورمیانه این کشور را ملزم می کند که در یک نمایش ژئوپلیتیکی دقیق شرکت کند و برای توازن تعامل خود با شرکای استراتژیک قدیمی مانند ایران، حتی در صورت تعمیق روابط با شرکای جدیدتر، از جمله اسرائیل و کشورهای خلیج فارس تلاش کند (Ford and Hill, 2019) پکن در سال های اخیر روابط خود را با کشورهای حوزه خلیج فارس و دیگر کشورهای عربی منطقه که ایران با آنها مخالف است را تسهیل کرده است. در ژوئیه ۲۰۲۰، پکن میزبان اجلاس مجازی نهمین مجمع همکاری چین و کشورهای عربی بود و کشورهای عربی را به دلیل حمایت خود از اهداف دیپلماتیک جهانی چین، مانند منزوی کردن تایوان مورد ستایش قرار داد (Ministry of Foreign Affairs China, 2020)

شرکای اصلی چین در خاورمیانه عربستان، امارات متحده عربی و مصر هستند. در سال ۲۰۱۶، دو کشور چین و سعودی یک کمیته مشترک سطح بالا مسئول تعمیق روابط دوجانبه ایجاد کردند

که توسط هان ژنگ، عضو کمیته دائمی دفتر سیاسی حزب کمونیست و محمد بن سلمان اداره می شد. پکن و ابوظبی در جریان سفر شی به امارات در سال ۲۰۱۸ روابط خود را با مشارکت استراتژیک جامع تقویت کردند (Alterman 2019). قاهره از سال ۲۰۱۴ یک شریک استراتژیک جامع پکن بوده است و عبدالفتاح السیسی، رئیس جمهور مصر، از زمان تصدی قدرت در آن سال، ۶ بار به پکن سفر کرده است. پکن همچنین روابط خود با اسرائیل را افزایش داده و در بنادر و راه آهن این کشور سرمایه گذاری کرده و به یک بازیگر مهم در بخش فناوری پیشرفته از جمله در فناوری هایی مانند خودروهای برقی و خودران تبدیل شده است (Witte and Aluf 2021).

روابط اقتصادی

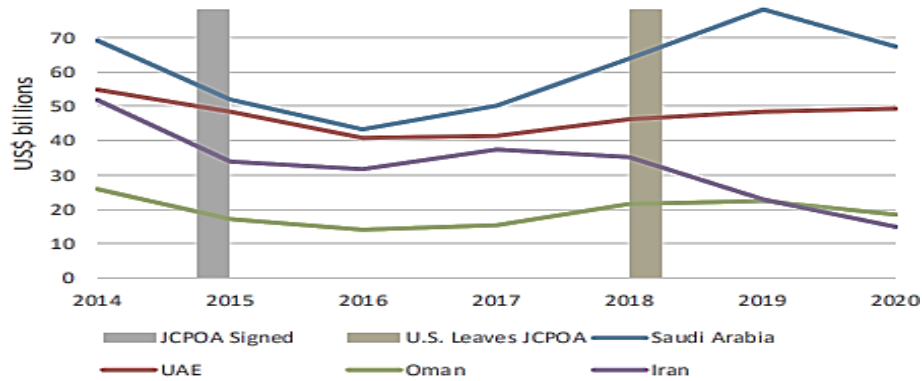
روابط اقتصادی چین و ایران نشان دهنده عدم تقارن شدید است، چین از آسیب پذیری اقتصادی ایران پس از سال ها تحریم ها نهایت استفاده را برده است. در طول دهه گذشته، تجارت با چین یک شرایط اقتصادی را به ایران تحمیل کرده است که این امر موجب افزایش اهرم چین در رابطه با ایران شده است و همچنان عمیق تر می شود زیرا چین، تعامل اقتصادی خود را به طور انحصاری در صنایع بحرانی ایران مانند انرژی، معدن و حمل و نقل متنوع می کند. در عین حال، توانایی چین در مشارکت اقتصادی با ایران، توسط دو عامل یکی تحریم های بین المللی و دیگری همکاری های آن با کشورهای خلیج فارس محدود شده است که تاثیرات اقتصادی قابل توجهی برای چین و روابط متداول این کشور با ایران دارد.

فعالیت اقتصادی چین در ایران شامل دسترسی به نفت و سایر مواد اولیه و همچنین توسعه پروژه کمر بند - راه است. در حال حاضر تعامل چین با ایران به طور قابل ملاحظه ای محدود به تحریم است، چین روابط خود را با ایران حفظ می کند به این امید که در صورت احیای توافق هسته ای وعادی شدن روابط ایران با اقتصاد جهانی، به منابع استراتژیک مانند انرژی و مواد اولیه دسترسی بیشتری پیدا کند. چین با سرمایه گذاری در ایران به عنوان "دارایی مضطرب"، از جمله دسترسی بدون محدودیت به چهارمین ذخایر بزرگ نفت و دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی در جهان، آینده خود را تضمین می کند. این پتانسیل همچنین شامل دسترسی به بازار صادراتی ۸۵ میلیون نفری ایران و اقتصاد نسبتاً متنوع آن می شود (U.S. Energy Information Administration 2022) موقعیت جغرافیایی ایران در محل

تلاقی خاورمیانه، آسیای مرکزی و جنوب آسیا و در امتداد تنگه هرمز، یکی از مهمترین مسیرهای کشتیرانی نفت جهان، ارزش اقتصادی و ژئواستراتژیکی آن را برای چین بیشتر می کند. بیانیه های رسمی دولت چین اهداف بلندپروازانه ای را برای افزایش تجارت و سرمایه گذاری با ایران تعیین کرده است. در توافقنامه همکاری ۲۵ ساله اخیر، دولت چین وعده داد که در ازای نفت با تخفیف، ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری در ایران را در بخش هایی مانند حمل و نقل، بنادر و مخابرات افزایش می دهد (Fassihi and Meyers, 2021) وزیر امور خارجه شی در سفر خود به تهران در سال ۲۰۱۶ از هدف پکن برای افزایش تجارت دو جانبه به ۶۰۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۶ خبر داد. در جریان این سفر، دو طرف همچنین یک تفاهم نامه در مورد همکاری برای فهرست پروژه های منتخب چینی اعلام شده در ایران از زمان شروع کمربند راه در ۲۰۱۳ به پیوست امضا کردند (China General Administration of Customs, 2021).

در دو دهه گذشته، چین به عنوان یک شریک اقتصادی فزاینده برای ایران وارد عمل شده است زیرا تحریم ها باعث عقب نشینی شرکت های اروپایی و آمریکایی از ایران شد. قبل از عقب نشینی از بازار ایران، شرکت های اروپایی از یک پای اقتصادی در ایران برخوردار بودند. تجارت سالانه چین و ایران بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ بیش از ۹ برابر شد و از ۵/۶ میلیارد دلار به ۵۱/۸ میلیارد دلار افزایش یافته است که بالاترین میزان در تمام دوران پس از ورود سایر کشورها به بازار ایران از طریق برجام بوده است. در مقایسه با گسترش مداوم روابط تجاری چین و ایران، تجارت بین ایران و اتحادیه اروپا در مدت مشابه ۵۵ درصد کاهش یافته است (Payvand, 2020) سرمایه گذاری چین در ایران نیز افزایش یافته است و موجودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین که ارزش کل سرمایه گذاری خارجی را به جای جریان در یک زمان معین اندازه گیری می کند، ۵۴۱ درصد از ۴۶۸ میلیون دلار در سال ۲۰۰۴ به ۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ در بخش انرژی و مواد اولیه افزایش یافته است (United States Institute of Peace, 2020). به عبارت دیگر، اگرچه تجارت و سرمایه گذاری چین در ایران با گذشت زمان افزایش یافته است، اما بسیار کمتر از اهداف اعلام شده خود باقی مانده است، زیرا تجارت دو جانبه در سال ۲۰۲۰ تنها ۱۴/۹ میلیارد دلار بوده است (China General Administration of Customs, 2021).

اگرچه پکن اعلام کرده است که قصد دارد روابط اقتصادی خود را با ایران حفظ یا حتی تعمیق بخشد، اما تمایل آن برای تحقق این امر به دلیل تحریم های بین المللی و همچنین جاه طلبی های نسبتاً بزرگتر آن در داخل خلیج فارس، جایی که در حال حاضر در حال مذاکره درباره توافقنامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس است، کند میباشد (China Ministry of Commerce, 2021) تا سال ۲۰۲۰، ارزش تجاری چین و ایران ۱۴/۹ میلیارد دلار بود، در حالی که تجارت چین با عربستان سعودی و امارات به ترتیب ۶۷/۲ میلیارد دلار و ۴۹/۳ میلیارد دلار ارزش داشت (شکل ۲).

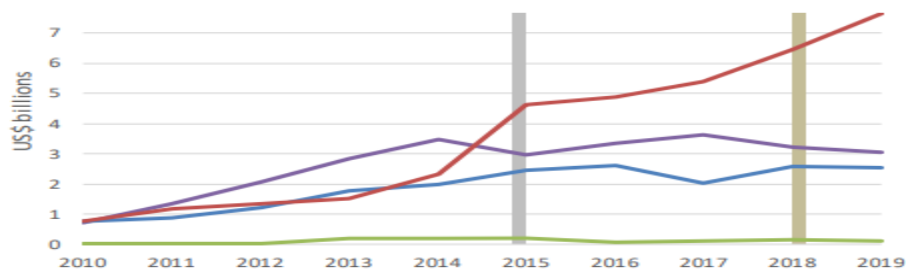


شکل ۲: تجارت چین با کشورهای منتخب خاورمیانه، ۲۰۱۴-۲۰۲۰

Source: China General Administration of Customs via CEIC Database.

عمده واردات چین از هر یک از این کشورها نفت است - عربستان سعودی و امارات متحده عربی می توانند مقادیر زیادی صادر کنند تا به تقاضای عظیم چین برای انرژی کمک کنند، در حالیکه تحریم ها مانع از صادرات نفت ایران می شود. نرخ رشد سهام سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین در ایران در مقابل کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تصویر مشابهی را نشان می دهد. بین سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹، سهام سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین در ایران ۳۲۷ درصد رشد کرد، در حالی که متوسط افزایش سرمایه گذاری مستقیم در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس ۱/۹۴۱ درصد بود (شکل ۳). روندهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین نشان می دهد که علی رغم امضای پروژه کمربند-راه، ایران از سوی کشورهای عضو شورای

همکاری خلیج فارس برای سرمایه گذاری و قراردادهای چینی در زمینه حمل و نقل و زیرساخت های انرژی مورد رقابت قرار گرفته است (Calabrese, 2020).



شکل ۳: سهم رشد سرمایه‌گذاری چین در کشورهای منتخب خاورمیانه، ۲۰۱۰-۲۰۱۹

Source: China Ministry of Commerce

سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

با انزوای روزافزون ایران تحت تحریم‌های اقتصادی، چین به برترین بازار واردات و صادرات ایران تبدیل شده است. چین بیشتر نفت خام را از ایران وارد می‌کند، در حالی که کالاهای تولیدی با ارزش افزوده مانند ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی را از چین وارد می‌کند. چین با ۲۱ پروژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی گرینفیلد در بین ۲۰۰۳ تا سپتامبر ۲۰۲۰ در فهرست کشورهای اعلام‌کننده سرمایه‌گذاری گرینفیلد در ایران قرار گرفت و پس از آن آلمان با ۱۸ پروژه و روسیه با ۱۵ پروژه در رتبه‌های بعدی قرار دارند (Ettoni, 2020). به دلیل اعمال مجدد تحریم‌های آمریکا در سال ۲۰۱۸، فقط تعداد کمی از پروژه‌ها محقق شده‌اند. پس از اعمال مجدد تحریم‌های آمریکا، ایران شاهد کاهش مداوم ورودی‌های مستقیم خارجی جهان به اقتصاد خود بود این مبلغ در سال ۲۰۱۷ به ۵ میلیارد دلار رسید اما در سال ۲۰۱۹ با ۷۰ درصد کاهش به ۱/۵ میلیارد دلار سیر نزولی چشمگیری داشته است (UN Conference on Trade and Development, 2020) در این زمان، چین تنها ۵ درصد از ۸ درصد سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را در طی سال ۲۰۱۸ به خود اختصاص داده بود به بیان ساده، تمایل چین از سال ۲۰۱۶ برای توسعه سرمایه‌گذاری در ایران تاکنون کم بوده است و این تردید وجود دارد که چین چگونه به تعهد خود برای تأمین ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جدید در چارچوب موافقتنامه همکاری ۲۵ ساله تازه امضا شده عمل خواهد کرد.

به دلیل تحریم‌ها و همه‌گیری کرونا در سال ۲۰۲۰، ایران به تازگی با کسری بودجه خود مواجه شده که این امر نیاز کشور به سرمایه خارجی را تشدید کرده است (Trading Economics, 2020). طبق گزارش موسسه تحقیقاتی ویلیام و ماری که داده‌های کمک و توسعه را جمع‌آوری می‌کند، چین بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ تقریباً ۳۲ میلیارد دلار وام به ایران داده است. سرفصل معاملاتی مانند خط اعتباری ۱۰ میلیارد دلاری گروه سیتک ۲۰۱۷، به این تصور کمک می‌کند که چین به راحتی به ایران وام می‌دهد. با این حال، چین وام‌های رسمی خود را گزارش نمی‌کند و داده‌های کمی برای تایید میزان کل وام‌های چینی به ایران از سال ۲۰۱۴ در دسترس است. بخش تجزیه و تحلیل مستقل، پایگاه داده اطلاعات ویلیام، وام‌های چینی را با شبیه‌سازی اطلاعات منبع باز دنبال می‌کند، اما هیچ اطلاعات کامل حسابداری از وام‌های چینی به ایران وجود ندارد (AidData, 2017). گزارش‌های رسمی دولتی ایران نشان می‌دهد که ایران پس از سالها تحریم از شبکه‌های تجاری و مالی جهانی، با حفظ مازاد حساب جاری که از صادرات نفت عمدتاً به آسیا تأمین می‌شود، وابستگی خود را به منابع مالی خارجی به حداقل رسانده است. ایران همچنین ترجیح می‌دهد کسری بودجه عمیق خود را با انتشار اوراق قرضه داخلی تأمین کند. بر اساس گزارش بانک مرکزی ایران، تا مارس ۲۰۲۰ بدهی کل خارجی ایران به ۹/۱ میلیارد دلار یا ۱/۴۴ درصد از تولید ناخالص داخلی رسیده است (Central Bank of the Islamic Republic of Iran, 2021). به عبارت دیگر، اگرچه ایران گزارش بدهی خارجی خود را بر اساس کشور تفکیک نمی‌کند، اما حجم اندک بدهی کل خارجی ایران نشان می‌دهد که بیش از حد به تأمین مالی چین یا هر طلبکار خارجی دیگر وابسته نیست.

نقش تحریم‌های آمریکا بر روابط اقتصادی چین و ایران

بسیاری از ناظران ادعا دارند که چین به واردات مقادیر قابل توجهی نفت ایران از طریق روش‌های مختلف مانند دور زدن تحریم‌ها ادامه می‌دهد (Khatinoglu, 2020). بنا به گفته کارشناسان بین‌المللی این روش‌ها شامل استفاده از نفتکش‌های کشورهای ثالث و انبار کردن محموله‌های نفتی در بنادر چین در مکان‌هایی به نام "ذخیره سازی امانتی" برای جلوگیری از پردازش آنها از طریق گمرک چین است. بانک مرکزی ایران همچنین رنمینبی^۱ را به عنوان

1. renminbi (RMB)

ارزاصلی خارجی خود تصویب کرده است و همچنان بهای نفت خود را به رمب پرداخت می کند (Lavender and Wilhelm, 2012).

بر اساس داده های منتشر شده توسط موسسه رفینیتیو^۱ خریدهای نفتی غیر رسمی چین از ایران با مدارکی از کشورهایی مانند مالزی، امارات و عمان از اواخر سال ۲۰۲۰ به دلیل افزایش انتظارات دولت بایدن برای کاهش تحریم ها علیه ایران به میزان قابل توجهی افزایش یافته است (Verma and Zhang, 2021). اما داده های واردات رسمی چین تصویری متفاوت نشان می دهد. براساس داده های رسمی چین، خرید نفت ایران از چین در سال ۲۰۱۹ کاهش چشمگیری داشته است و این نشان می دهد که پکن در حال تعدیل پایبندی به تحریم های خود است تا از تحریم های واشنگتن علیه خود از جمله از دست دادن دسترسی به سیستم مالی ایالات متحده جلوگیری کند. واردات رسمی چین از نفت ایران در سال ۲۰۲۰ به طور متوسط فقط ۱۱۸ میلیون دلار در ماه بود در حالی که این رقم در سال ۲۰۱۹، ۵۸۹ میلیون دلار بود که نسبت به سال گذشته ۸۲ درصد کاهش را نشان می دهد (China Ministry of Commerce, 2020).

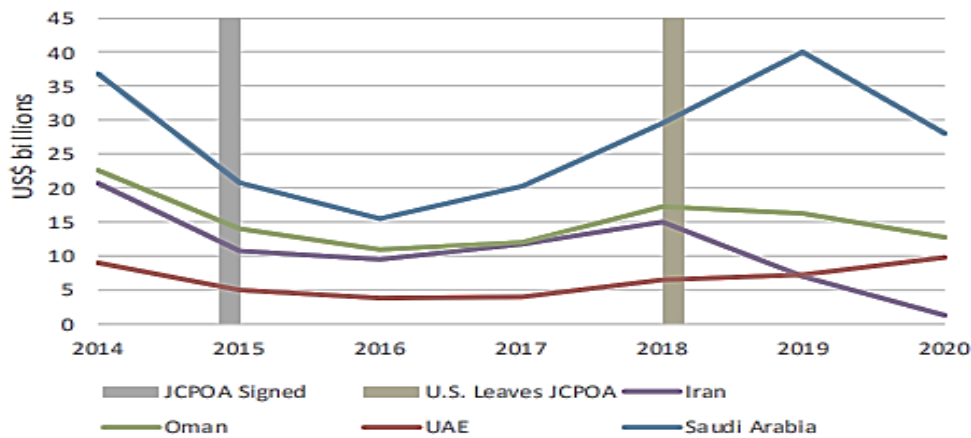
دسترسی چین به نفت و سایر منابع طبیعی ایران

مشارکت چین با بخش انرژی و معدن ایران برای حمایت از تقاضای رو به رشد چین در این قرارداد در نظر گرفته شده است. پیش بینی می شود چین به ترتیب در سالهای ۲۰۲۵، ۲۰۳۵ و ۲۰۴۰ به حداکثر تقاضای نفت، زغال سنگ و گاز طبیعی برسد. به دلیل تشدید تحریم های بین المللی، ایران به طور فزاینده ای به تجارت با چین وابسته شده است و تخفیف های جذابی را برای خرید نفت خام به ارزش ۱ دلار در هر بشکه پیشنهاد کرده است (Xu and Aizhu, 2020). همچنین تخفیف های ایران بر پروپان دیگر مشتقات نفتی سبب شده تا ۱۶ درصد از قیمت های عربستان کاسته شود.

اگرچه چین می خواهد وابستگی خود به نفت خاورمیانه را کاهش دهد، اما تقاضای سریع آن برای انرژی به این معناست که این کشور بزرگترین مشتری نفت و گاز برای ایران و رقبای عرب آن است. در سال ۲۰۱۴، ایران پس از عربستان سعودی، آنگولا، روسیه، عمان و عراق در رده ششمین تامین کننده بزرگ نفت چین قرار گرفت (Statista, 2014) با این حال، از سال ۲۰۲۰،

1. Refinitiv

واردات رسمی نفت چین از ایران ۹۴ درصد کاهش یافته است، در حالی که واردات چین از قطر، کویت و امارات به ترتیب ۶۵۱ درصد، ۱۸ درصد و ۸ درصد افزایش یافته است (شکل ۴). آمارهای رسمی نشان می‌دهد که ایران دیگر در بین ده تامین کننده اصلی نفت چین نیست (Zhou, 2021) با این حال، تحقیقات رفینیتیون نشان می‌دهد که کل واردات نفت چینی از ایران، از جمله واردات غیرقانونی یا غیر رسمی، در ماه مارس ۲۰۲۱ به ۳/۷۵ میلیون تن رسیده است که افزایش قابل توجهی بیش از آمار رسمی است (Nikkei, 2021).



شکل ۴: مجموع خریدهای سالانه نفت چین از کشورهای منتخب خاورمیانه، ۲۰۱۴-۲۰۲۰

Source: China General Administration of Customs via CEIC Database.

از سال ۲۰۱۷ بخش نفت و گاز ایران برای حفظ منابع موجود و ایجاد ذخایر جدید آنلاین به ۱۳۰ تا ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی نیاز داشت. با وجود این، کل موجودی مستقیم سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایران در سال ۲۰۱۹ تنها ۵۷ میلیارد دلار بود که کمتر از نیمی از سرمایه گذاری مورد نیاز برای این سرمایه گذاری‌ها است (Reuters, 2021). ایران تمایل خود برای سرمایه گذاری چینی را ابراز کرده و امیدوار است علاوه بر افزایش سطح تجارت بین دو کشور، سرمایه گذاران خصوصی چینی در ایران نیز سرمایه گذاری کنند (Shana, 2017). با وجود خواسته‌های ایران، سرمایه گذاری چین در بخش انرژی ایران اندک است. در سال ۲۰۱۹، شرکت ملی نفت چین از پروژه توسعه ۵ میلیارد دلاری گاز طبیعی پارس جنوبی، که بزرگترین پروژه سرمایه گذاری چین بود به دلیل تحریم‌های ایالات متحده بود، خارج شد. دیگر

پروژه های مهم بالادستی چین نیز با تاخیرهای زیادی روبرو شده اند، که طولانی ترین آنها پروژه میدان نفتی یادآوران است که برای به روز شدن آن تقریباً نه سال به طول انجامید (Press TV, 2018) انتظار می رفت که شرکت نفت و پتروشیمی چینی سینوپک (Sinopec) فاز دوم این پروژه را توسعه دهد. اما به دلیل اختلاف نظر بین سینوپک و شرکت ملی نفت ایران، کار از سال ۲۰۱۶ متوقف شده است (National Iranian Oil, 2018).

سرمایه گذاری شرکت های چینی در صنایع آلومینیوم، فولاد، طلا و مس ایران با هدف اطمینان از تامین مطمئن صنایع مهم مانند تولید پیشرفته است. شرکت مهندسی و ساختمان خارجی صنعت فلزات غیرآهنی چین در توسعه صنعت معدن آلومینیوم ایران فعال بوده و از حدود سال ۲۰۱۱، تقریباً ۴۵/۷ میلیون دلار تجهیزات یا ۴۰ درصد از کل مورد نیاز برای تأسیس آلومینیوم پالایشگاه جاجرم واقع در شمال شرقی ایران را تأمین کرده است (Miller, 2020). شرکت های چینی آلومینیوم همچنین ۸۵ درصد از بودجه پالایشگاه آلومینیوم شرکت آلومینیوم جنوبی ایران در منطقه ویژه اقتصادی لامرد را در آوریل ۲۰۲۰ تأمین کرده اند.

جایگاه ایران در پروژه کمربند-راه برای ادغام منطقه ای در افق ۲۰۳۰

موقعیت ایران در تقاطع آسیای مرکزی، خاورمیانه و اروپا، آن را به قطب مهم منطقه ای تبدیل کرده است. کریدور اقتصادی چین-آسیای میانه-غرب آسیا، به عنوان بخشی از پروژه کمربند-راه از طریق ایران به اروپا می رود و این کشور را از طریق قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان به چین متصل می کند. این کریدور از خطوط حمل و نقل موجود و تازه ساخته شده بین دو کشور استفاده می کند، با حداقل ۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری چینی و قراردادهایی که تاکنون برای ادغام شبکه های حمل و نقل منطقه اختصاص داده شده است (Reed and Trubetskoy, 2019).

اگرچه ایران یک نقطه مهم در پروژه کمربند است، چین سرمایه گذاری بسیار بیشتری در پروژه هایی در خلیج فارس و پاکستان همسایه داشته است. عربستان سعودی، امارات، عمان و مصر اجزای مهم جاده ابریشم دریایی هستند که دولت چین امیدوار است خلیج فارس را به آبهای عربستان، دریای سرخ و مدیترانه وصل کند (Fulton, 2020) پاکستان همچنین به عنوان یک شریک کلیدی کمربند-راه در کریدور اقتصادی چین و پاکستان مطرح شده است و پروژه های

کمر بند راه را از ایران منحرف می کند زیرا یک مسیر مستقیم به اقیانوس هند از غرب چین را فراهم می کند، در حالی که مسیرهای از طریق ایران به ارتباطات چند جانبه در آسیای مرکزی وابسته می باشند. براساس داده های ردیابی سرمایه گذاری جهانی چین در موسسه امریکن انترپرایز، از زمان اعلام پروژه کمر بند راه در سال ۲۰۱۳، ایران تنها ۱۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری و قرارداد چینی دریافت کرده است، در حالی که شورای همکاری خلیج فارس و پاکستان به ترتیب ۶۹ و ۴۹ میلیارد دلار دریافت کرده اند (American Enterprise Institute, 2020).

با این وجود، پکن با کمک به تأمین بودجه و ایجاد خطوط ملی که مناطق داخلی کشور را با شبکه های گسترده تر منطقه ای ادغام می کند، از توسعه زیرساخت ها در ایران حمایت کرده است. در سال ۲۰۱۸، شرکت ملی صنایع ماشین آلات چین، معروف به سینومک قرارداد ۸۴۵ میلیون دلاری برای ساخت راه آهن متصل شهرهای غربی همدان و سنندج به تهران با ایران امضا کرد که انتظار میرفت در سال ۲۰۲۲ تکمیل شود. این خط به مسیری برنامه ریزی شده متصل می شود که اورمچی پایتخت سین کیانگ را به تهران متصل می کند و این مسیر را یک ماه سریعتر از سفر دریایی طی می کند. علاوه بر این، گزارش شده است که چین ۱/۹ میلیارد دلار اعتبار برای حمایت از احداث خط آهن سریع السیر از تهران به استان اصفهان ایران تأمین کرده است که انتظار میرود تا سال ۲۰۲۳ تکمیل شود (Financial Tribune, 2019) اگرچه شرکت های ساختمانی چینی اکثر کارهای خود را روی این پروژه ها انجام داده اند، اما ایران از زیرساخت های بسیار مورد نیاز بهره مند است. بر اساس مدل بانک جهانی ۲۰۱۹ برآورد تولید ناخالص داخلی و مزایای رفاهی زیرساخت های حمل و نقل پروژه کمر بند راه، چنین سرمایه گذاری هایی به ترتیب می تواند تولید ناخالص داخلی و رفاه ایران را به ترتیب تا ۶/۱۸ و ۵/۳۴ درصد افزایش دهد (Soyres, 2019).

رابطه نظامی

چین و ایران یک رابطه دفاعی دیرینه دارند که شامل مبادلات نیمه منظم سطح بالا، تمرینات ترکیبی و تماس های بندری و همچنین سابقه همکاری قوی در دهه های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ است. چین از حامیان اولیه برنامه هسته ای ایران بود و همچنان به شرکت های دولتی و خصوصی چین اجازه

می دهد تا فناوری را که ایران برای بهبود دقت، برد موشک های بالستیک خود استفاده میکند، فراهم کنند. ایران علاقه مند است روابط دفاعی خود را با چین از طریق دستیابی به تسلیحات پیشرفته چینی برای جبران کمبود و حفظ توازن خود در توانایی های تسلیحاتی متعارف نسبت به رقبای منطقه ای خود، گسترش دهد (Lincy, 2019:42) تهران همچنین مایل است روابط دفاعی خود را با پکن تقویت کند تا به ایالات متحده نشان دهد که نتوانسته ایران را منزوی کند. از نظر چین، افزایش روابط دفاعی با ایران ممکن است فشار را بر ایالات متحده به صورت کالیبره شده را افزایش دهد و در عین حال واشنگتن را در خاورمیانه درگیر کند. با این وجود، روابط دفاعی چین و ایران به دلیل تمایل پکن برای اجتناب از خصومت با دیگر شرکای خود در منطقه مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی محدود شده است. به همین دلیل، پکن درباره فروش تعداد زیادی سلاح پیشرفته به تهران محتاط است زیرا انجام این کار باعث بی ثباتی در منطقه می شود و منافع اقتصادی و دیپلماتیک چین را در معرض خطر قرار می دهد. فروش چنین تسلیحاتی به ایران همچنین تحریم های آمریکا را نقض می کند، عاملی که پکن احتمالاً قبل از فروش احتمالی سلاح در نظر خواهد گرفت (Calabrese, 2021).

در سال ۲۰۱۷، وزارت خزانه داری ایالات متحده شرکت دولتی چینی ووهان را به دلیل فروش فناوری به نهادی تحت وزارت دفاع و تدارکات نیروهای مسلح ایران تحریم کرد (Gehrke, 2019) در سال ۲۰۲۰، وزارت امور خارجه ایالات متحده این شرکت را به دلیل حمایت از برنامه موشکی ایران با نقض قانون منع اشاعه تسلیحاتی ایران، کره شمالی و سوریه تحریم کرد. دولت چین همچنین چشم خود را بر گسترش فناوری هایی که به گفته وزارت دادگستری ایالات متحده، می تواند در تولید سلاح های کشتار جمعی و یا دستگاه هایی که برای تحویل و یا ساخت سلاح های کشتار جمعی مورد استفاده قرار گیرد، بسته است. این فعالیتها توانمندی های موشکی ایران را تقویت کرده و مخاطرات به پایگاههای نظامی آمریکا را افزایش داده است. حداقل یکی از سامانه های موشکی تهران که مدعی استفاده از آن در حمله بوده است، به احتمال زیاد با فناوری موشک بالستیک چینی توسعه یافته است (Roblin, 2020).

چین درخواست ایالات متحده برای توقف فعالیت های نهادها و اشخاص چینی را که برخی از آنها سالهاست فناوری پیشرفته را گسترش داده اند، رد کرده است (Stein 2021) در دو دهه گذشته، دولت آمریکا افراد و نهادهای چینی را به دلیل نقض تحریم ها در زمینه انتقال فناوری های حساس دوبار مصرف مانند فلزات، الیاف و مواد کامپوزیت به ایران، بیشتر برای حمایت از برنامه موشک های بالستیک ایران، مورد تحریم قرار داده است (U.S. Department of State, 2017)

ایران خرید تسلیحات پیشرفته چینی را کلیدی برای جبران کسری جنگ متعارف خود در منطقه می داند. تهران علاقه خاصی به نسل جنگنده های سوم جنگ و چین دارد (third-generation J-10B) موسسه واشنگتن، ارزیابی می کند که ایران می تواند سیستم های چینی مختلفی را خریداری کند که قابلیت های ضد نفوذ را بهبود بخشد و سایر خلع ها ناشی از نداشتن هواپیماهای جنگنده، ناوچه ها، زیردریایی ها، موشک های ضد کشتی و تانک ها را پر کند (Connor, 2019).

علیرغم علاقه ایران به خرید تجهیزات دفاعی از چین، فروش احتمالی سلاح های چینی به ایران با تمایل دولت چین برای جلوگیری از تشدید بی مورد سایر شرکای خود در منطقه و نقض تحریم های ایالات متحده محدود می شود. عربستان سعودی و امارات متحده عربی مقادیر قابل توجهی از سیستم های تسلیحاتی چینی مانند هواپیماهای بدون سرنشین (پهپادها) را خریداری می کنند و فروش تسلیحات ایران به طور حتم با مخالفت شدید این شرکای مهم چینی مواجه خواهد شد. پکن همچنین به احتمال زیاد با فروش سلاح به ایران فرمان اجرایی ۱۳۹۴۹ سپتامبر ۲۰۲۰ ایالات متحده مبنی به هرگونه فروش سلاح به ایران نقض می کند بر طبق این بند فروش هرگونه سلاح به ایران منع می کند و کشور خاطی را با جلوگیری از دسترسی آن به نهادهای متخلف و سیستم بانکی ایالات متحده مجازات می کند (Congressional Research Service, 2020).

چین و ایران همچنین گاه به گاه رزمایش های دریایی و تماس های بندری انجام داده اند که به نظر می رسد هم باعث ایجاد اعتماد بین نظامیان می شود و هم به ایالات متحده سیگنال می دهد که دو طرف با وجود فشار آمریکا کنار هم ایستاده اند (Haider, 2020) از دیدگاه ایران اهمیت راهبردی رزمایش ها، مقابله با ایالات متحده و کمک به ایجاد ائتلاف امنیتی منطقه ای است، اما از

دیدگاه چین این رزمایش به عنوان بخشی از آرایش عادی تبادل نظامی است. علاوه بر این، فقط چند هفته قبل از اولین رزمایش با ایران، چین یک رزمایش دریایی دوجانبه سه هفته ای با عربستان انجام داد که به نظر می رسد برای ایجاد توازن درمقابل ایران طراحی شده است (TASS, 2021).

ایالات متحده

اگرچه مشارکت چین و ایران محدودیت‌های آشکاری دارد، اما این دو حکومت در ضدیت با آمریکا مشترک هستند. جهت گیری این سیاست پیامدهای بلند مدتی برای منافع واشنگتن در خاورمیانه و هند و اقیانوس آرام دارد. نخست و مهمتر از همه، اقدامات ایران در خاورمیانه ایالات متحده را مشغول کرده و مانع از آن می شود که تمرکز استراتژیک خود را به طور کامل بر منطقه هند و اقیانوس آرام که هدف اولویت دار اعلام شده ایالات متحده است، متمرکز کند (U.S. Department of Defens, 2019). در نتیجه، پکن فرصت های بیشتری برای گسترش نفوذ و حضور خود در ایندو-پاسیفیک دارد. از آنجا که ایالات متحده به حفظ نیروهای خود و سرمایه گذاری منابع بودجه ای در خاورمیانه ادامه می دهد، کمتر می تواند بر هند و اقیانوس آرام تمرکز کند. حمایت چین از ایران همزمان با تمایل چین به حضور آزاد آمریکا در خاورمیانه پیچیده تر میشود و تحریک بیش از حد ایران می تواند به منافع اقتصادی چین در منطقه آسیب برساند.

گسترش هماهنگی چین و ایران در افغانستان اهداف ایالات متحده در این کشور را پیچیده کرده است. گزارش غیرمستقیم حمایت پکن و تهران از طالبان برای تامین تسلیحات، دولت منتخب قانونی افغانستان را سقوط داد. رویکرد چین و ایران برای حفظ روابط مثبت با دولت طالبان حکمرانی خوب و ثبات را در این کشور را پیچیده می کند

درخواست چین برای بازگشت بدون قید و شرط ایالات متحده به برجام و لغو همه تحریم های مربوطه با شرط دولت بایدن مبنی بر لغو تحریم های آمریکا بر بازگشت متقابل ایران به تعهدات برجام منافات دارد (CGTN, 2021) اگرچه چین از ثبات در خاورمیانه سود می برد، اما توافق هسته ای احیا شده در درجه اول وسیله ای برای چین است تا بدون ترس و تهدید تحریم های ایالات متحده، روابط اقتصادی خود را با ایران افزایش دهد. بنابراین، دولت چین در تلاش برای

آوردن ایران روی میز مذاکره و فشار همزمان بر همه ذینفعان برای دستیابی به یک توافق، منافع عمل‌گرایانه خود را در ایران دنبال می‌کند. پکن به دنبال آن است که خود را به عنوان یک ذینفع دیپلماتیک سازنده در منطقه معرفی کند. در مذاکرات قبلی برجام، چین امکان افزایش سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی را به مشارکت ایران در توافق مرتبط دانست (Fulton, 2020). اگر قرار باشد مذاکرات آتی در مورد برجام انجام شود، ایالات متحده می‌تواند انتظار داشته باشد که چین بار دیگر منافع اقتصادی خود را در ایران به احیای توافق متصل کند.

سرمایه‌گذاری بلندمدت چین در ارتباطات منطقه‌ای و ادامه علاقه به دسترسی به منابع ایران به این معنی است که چین از یک ایران با ثبات اقتصادی و سیاسی سود می‌برد. اگرچه تجارت و سرمایه‌گذاری چین با ایران به رفاه شهروندان عادی ایرانی کمک می‌کند، اما از دیدگاه غربی‌ها ایران را نیز تشویق می‌کند تا در مواجهه با فشارهای بین‌المللی به فعالیت‌های مخرب خود ادامه دهد (Fulton, 2021).

علیرغم سیگنال‌های ایران مبنی بر استقبال رسمی از مشارکت دفاعی، چین و ایران اتحاد نظامی ندارند و بعید است که این دو کشور یک اتحاد ایجاد کنند. با این وجود، این دو کشور می‌توانند و قبلاً چالش‌های جدی را برای منافع امنیتی ایالات متحده ایجاد کرده‌اند، این امر توسط فعالیت‌های اشاعه چین و هماهنگی ظاهری پکن و تهران در امور اطلاعاتی مشهود است. موشک‌های ایرانی که با فناوری چینی ساخته شده‌اند احتمالاً قبلاً علیه نیروهای آمریکایی و شرکای خود در منطقه استفاده شده است. اگرچه چین در مورد فروش تسلیحات پیشرفته مانند تانک و جنگنده‌های ایران به ایران پس از انقضای تحریم تسلیحاتی سازمان ملل در اکتبر ۲۰۲۰ اظهار نظری نکرده است، اما این کار را به گونه‌ای انجام می‌دهد که توازن روابط پکن در منطقه را از طریق افزایش توان ایران برای تهدید نیروهای آمریکایی و متحدان و شرکای منطقه‌ای آن را بر هم نزنند.

پویایی سیاست خارجی ایالات متحده در برخورد با منطقه خلیج فارس

رابطه بین دولت‌های متوالی آمریکا و کشورهای خلیج فارس همیشه پویا بوده است، علی‌رغم این پویایی و مداومت، دو عامل به طور مداوم سیاست آمریکا را در منطقه خلیج فارس شکل داده‌اند. این منطقه در طول تمامی دولت‌های ایالات متحده برای این کشور نخست به دلیل ذخایر

انرژی اثبات شده انرژی آن و دوم اینکه کشورهای این منطقه به واردکنندگان بزرگ تسلیحات نظامی امریکا تبدیل شده اند دارای اهمیت بوده است. در سال ۲۰۱۸، کشورهای خلیج فارس دارای ذخایر نفتی ثابت شده ۸۰۳ میلیارد بشکه نفت بوده اند که میزان ۵۰ درصد ذخایر نفت اثبات شده در جهان و ذخایر گاز طبیعی ثابت شده ۷۲ تریلیون متر مکعب را تشکیل می دهند که به میزان ۳۶٫۵ درصد از ذخایر گاز طبیعی ثابت شده در جهان است. با وجود کاهش وابستگی ایالات متحده به نفت خلیج فارس، که تنها ۱۵ درصد از نیازهای خود را به دلیل افزایش تولید نفت داخلی خود پوشش می دهد، اما ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ حدود ۸۱ میلیارد دلار برای جلوگیری از اختلالات در وقوع عرضه جهانی نفت هزینه کرده است. (Securing America's Future Energy, 2018)

برای اطمینان از امنیت منطقه‌ای، روسای جمهور ایالات متحده از اواخر دهه ۱۹۶۰ چندین دکترین را صادر کرده اند که تعهد آنها را نسبت به امنیت خلیج فارس نشان می‌دهد. دولت‌های ایالات متحده، با شروع از سیاست دو ستون نیکسون در سال ۱۹۶۹، بر همکاری امنیتی منطقه‌ای بین ایران و عربستان سعودی تأکید کرده است. در طول این سال‌ها، روسای جمهور امریکا به ویژه جمهوریخواهان، روابط نزدیک با شیخ نشین‌های خلیج فارس داشته و همواره به نیازهای امنیتی آنها توجه کرده اند. دولت‌های پی در پی آمریکا، سلاح‌های بسیار پیشرفته‌ای را به متحدان خود در خلیج فارس تحویل داده اند و همواره هدفشان از فروش اسلحه را تقویت توانایی‌های شرکای خود برای پیشبرد اولویت‌های سیاست امنیتی منطقه‌ای، از جمله مقابله با تروریسم، تضمین جریان بی وقفه نفت و مقابله با ایران ذکر میکنند. (Congressional Research Service, 2020). واردات تسلیحات ساخت امریکا توسط عربستان سعودی طی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۹ به میزان ۱۳۰ درصد افزایش یافته است که ۱۲ درصد از واردات جنگ افزارهای جهانی را تشکیل می‌دهد (Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI), 2020). به عنوان مثال، دولت اوپاما، علیرغم نگرانی‌های خود برای دموکراسی و حقوق بشر، به عربستان سعودی بیش از ۱۱۵ میلیارد دلار سلاح، بیش از هر دولت دیگری در ۷۱ سال گذشته ارائه داد. رییس جمهور دونالد ترامپ و وزیر امور خارجه او، مایک پومپو، عربستان سعودی و شاهزاده محمد بن سلمان را به عنوان یک متحد بزرگ در همکاری برای فلج کردن ایران از طریق تحریم‌ها تحت حمایت گسترده قرار

دادند. ترامپ از قدرت ویژه خود در قبال کنگره استفاده کرد تا جریان فروش سلاح به خلیج فارس در دولت او همچنان جریان داشته باشد. (Borger & Wintour, 2021)

علیرغم این توجه دولتهای آمریکا به اهمیت منطقه خلیج فارس برای منافع آمریکا، انطباق بین جهانی شدن و کاهش هزینه ها در پاسخ به مشکلات اقتصادی، منجر به یک رویکرد جدیدی با اهمیت کمتری در مقایسه با گذشته نسبت به منطقه شده است. سیاست خلیج فارس ایالات متحده، کمبودهای قدرت جهانی آمریکا را منعکس کرده است. به گفته نای، رؤسای جمهور، روزولت، ترومن و آیزنهاور، براساس تجربیات دهه ۱۹۳۰، اعتقاد داشتند که انزوآگرایی اشتباه بود و تغییر در سیاست خارجی آمریکا از انزوا به جهانی شدن، تغییر کرد.

در دولت ترامپ خارج کردن آمریکا از بعضی سازمان های بین المللی، روابط پرتنش با متحدان اروپایی و چین، خروج از معامله هسته ای ایران و رها کردن پیشرفت دموکراتیزاسیون و حقوق بشر و اهمیت ندادن به آن، کاملاً مشهود بود. نای استدلال می کند که سیاست صرفه جویی و کاهش هزینه ها در دولت ترامپ به وضوح نشان داد که سیاست خارجی آمریکا از طریق ظهور سیاست های پوپولیستی که چشم انداز اخلاقی خود را کاهش داده بود، و اثرات بیشتری نسبت به تغییر روابط قدرت در میان کشورهای بزرگ داشت، شکل گرفت. (Nye, 2020: 206) ترامپ به طور موفقیت آمیزی از افزایش چشمگیر و نفوذ اقلیت های نژادی در سیاست خارجی این کشور و نیز از طریق سرزنش دولتهای پیشین، ریشه مشکلات اقتصادی این کشور را در معاملات تجاری بد با کشورهایی مانند مکزیک و چین و اشغال مشاغل این کشور بوسیله مهاجران، دانست (Nye, 2020: 20). سیاست عقب گرد ترامپ از جهانی شدن به انزوا، منعکس کننده سیاست خارجی است که ناشی از بی تجربگی او در امور جهانی، نارسایی او، پرستش کیش شخصیتی او از سوی طرفداران افراطی خود و پذیرش آموزه های مذهبی انجیلی بنیادگرایانه از طرف او بود.

کاهش احترام به سایر فرهنگ ها و ادیان دیگر توسط ایالات متحده در دوران ترامپ، باعث ایجاد شکاف های بین دولت آمریکا و سایر ملل، تضعیف قدرت نرم و کاهش منافع ملی آمریکا در جهان شد. (Nye, 2020: 50) علاوه بر این، رفتار ترامپ به عنوان رئیس جمهور منجر به بی ثباتی در دولت ایالات متحده شد. (Tenpas, 2021) در نهایت، از طریق تحریم های غیر مجاز بر علیه کشورهای دیگر مانند ایران آنها همزمان در حالی که فروش اسلحه

های پیشرفته را به متحدان ایالات متحده در منطقه میفروخت. بنابراین اقدامات ترامپ تشدید کننده عوامل بسیاری بود که باعث بی ثباتی منطقه ای شده اند. (Parsi, 2021: 3) تا آنجا که تصمیم آمریکا برای کاهش مشارکت خود در خاورمیانه راه را برای ورود و نفوذ بازیگران دیگر در منطقه باز کرده است. (Wechsler, 2019)

بایدن با میراث ترامپ از جامعه دو قطبی، روند دموکراتیک غیر قانونی آمریکا و اشتباهات متعدد در سیاست خارجی روبروست. بایدن می فهمد که عدم تعامل با مسائل جهانی یک گزینه عملی نیست. وی با دو تغییر عمده در سیاست خارجی آمریکا کار خود را پیش میبرد. یکی تغییر افقی از غرب به شرق، با تولد دوباره آسیا به عنوان یک مرکز قدرت اصلی، که شمه ای از آن در افزایش نفوذ ژاپن، چین، هند و سایر کشورهای جنوب شرقی آسیا دیده می شود. (Nye, 2020:192) چین به عنوان یک قدرت اصلی اقتصادی به سرعت در حال توسعه ظاهر شده که همزمان قدرت نظامی آن نیز در حال رشد است و بنابراین یک مولفه اصلی در تغییر توازن قدرت از غرب به شرق همین موضوع میباشد. چین برای اولین بار از ایالات متحده به عنوان مقصد برتر سرمایه گذاری خارجی پیشی گرفته است. سرمایه گذاری خارجی در ایالات متحده در سال ۲۰۲۰ با ۴۹ درصد کاهش به ۱۳۴ میلیارد دلار رسید در حالی که چین رشد ۴ درصدی را ثبت کرد و به ۱۶۳ میلیارد دلار رسید. (Paton, 2021) مشارکت اقتصادی جامع منطقه ای در ۱۵ نوامبر سال ۲۰۲۰ اعلام شد و به امضای اعضای انجمن ملل آسیای جنوب شرقی (آسه آن) و پنج شریک منطقه ای از جمله چین و ژاپن رسید، که شاکله اقتصاد و سیاست جهانی بعدی را شکل می دهد و برای پیشرفت اهداف اقتصادی و امنیتی آن به تلاش مجدد ایالات متحده نیاز دارد. (Beech, 2020)

بایدن تلاش دارد برنامه هایی در قالب اتحاد دموکراسیهای جهان برای مبارزه با اقتدارگرایی چین قالب چهار جانبه (کواد) دنبال کند که به عنوان بخشی از برنامه بایدن برای مهار چین، است. (London, 2021). با این حال، هر سیاست ایالات متحده باید نقش چین به عنوان شریک تجاری پیشرو در بین شرکای اصلی آمریکا را در نظر داشته باشد.

دومین تغییر قدرت جهانی در رابطه با تغییر قدرت عمودی رخ داده است، که به افزایش بازیگران و نیروهای غیر دولتی مانند ویکی لیکس، شرکت های چند ملیتی، سازمان های غیر

دولتی، پیچیدگی فناوری، تروریسم، جرایم اینترنتی، همه گیری کووید، بی ثباتی مالی و تغییرات اقلیمی اشاره دارد. (Barnes, 2021) مداخله روسیه در اکراین و تهدیدهای حمله سایبری دیگر روسیه در سال ۲۰۲۰ شواهدی را نشان می دهد که دولت ها آماده استفاده از ابزارهای غیر دولتی در تلاش برای ایجاد بی ثباتی در سایر کشورها هستند (O'Sullivan & Cohen, 2022).

پیش بینی میشود که سیاست ایالات متحده در دوره بایدن در قبال متحدان عرب خلیج فارس دوباره ارزیابی می شود تا ارزش ها و منافع آمریکا با صراحت بیشتری در برابر منافع کشورهای عربی خلیج فارس سنجیده شود. وی انتخاب کرده است که دستورالعملی را که شامل بازگشت به تمرکز بر جهانی شدن است، دنبال کند. با درک اینکه ایالات متحده تمایل کمتری به انجام اقدامات یک جانبه یا استفاده از زور برای مقابله با چالش های سیاست خارجی دارد. بنابراین بایدن در استفاده مجدد از روابط بازسازی شده با کشورهای خلیج فارس از طریق تأیید مجدد تعهد خود به ارزش های آمریکایی و تکیه نکردن انحصاری بر ارزش فروش اسلحه یا اهمیت دستیابی به نفت، کمتر از زور در سیاست خارجی استفاده کند. ایالات متحده حداقل برای آینده ای قابل پیش بینی به نقش جهانی پیشرو خود ادامه خواهد داد. با این حال، سیاست خارجی جدید و ظریف تر آمریکا بر اساس تعامل با متحدان و شرکا و ادامه گفتگو با برخی از بازیگران مستقل منطقه ای و جهانی مستقل استوار خواهد بود. بایدن بارها بر لزوم تعامل مجدد جهانی در برخورد با مسائل معاصر خلیج فارس تأکید کرده است. دولت آمریکا یک رویکرد سیاست خارجی دوجبهی را دنبال می کند که مبتنی بر ارزیابی سطح کلان منافع ملی ایالات متحده باشد تا منافع، فردگرایانه یا حزبی. بنابراین این رویکرد این کشور را میتوان برای پایان دادن به بن بست روابط ایران و آمریکا، متوقف کردن حمایت مالی از متحدان عرب خلیج فارس، محدود کردن فروش اسلحه به منطقه، اعمال فشار برای پایان دادن به جنگ یمن و پیشبرد حقوق بشر در این منطقه در افق آینده پیش بینی کرد.

چالش ارتقا ثبات در منطقه آشفته خلیج فارس

روابط درون خلیج فارس منعکس کننده آونگ روابط ایالات متحده و ایران است که با نه جنگ و نه صلح در نوسان است. فرصت های از دست رفته بین ایران و عربستان

سعودی (Ghantous, 2021) و جنگ های نیابتی ایران و عربستان سعودی سبب شده ترکیه دست به بازیگری گسترده ای بزند و مشارکت با بازیگران مختلف در منطقه (قطر ، لیبی و سومالی) به آنکارا امکان گسترش شبکه متحدان خود در جهان عرب را داده است (Mezran & Vavelli, 2019: 10). مهمار این نفوذ روزافزون ترکیه ممکن است یکی دیگر از عواملی باشد که عربستان و امارات متحده عربی را به سمت گفتگو با ایران سوق دهد. ولی مقامات این کشورها در خفا می پذیرند که یک توافقنامه امنیتی فراگیر بدون تأیید و تعامل ایالات متحده موفق نخواهد شد. (Parsi, 2021: 17)

سیاست خارجی جدید شفاف و متعادل تری که در روابط واشنگتن و ریاض در حال شکل گرفتن است، یکی از بارزترین ویژگی های دولت آمریکا در افق آینده است. این سیاست خارجی شامل استفاده از ابتکارات دیپلماتیک بیشتر برای خروج از چرخه کنونی درگیری و تشدید است که برای ایالات متحده و مردم منطقه بسیار پرهزینه است. واشنگتن و ریاض به طریقی به یکدیگر احتیاج دارند که فراتر از فرمول قدیمی "نفت برای امنیت" باشد، اگرچه ثبات بازار نفت همچنان محوری است. (Ross & Satloff, 2021: 3)

واشنگتن برای دستیابی به اهداف استراتژیک ایالات متحده در منطقه، از جمله مقابله با ایران، حمایت از ضد تروریسم، پایان دادن به جنگ در یمن، کمک مالی کشورهای عربی، عادی سازی روابط عرب و اسرائیل، تا بی اعتباری ایدئولوژی های اسلام گرای بنیادین، به سعودی ها احتیاج دارد. (Ross & Satloff, 2021:3-5).

شورای همکاری خلیج فارس چارچوب مناسبی برای دستیابی به ترتیبات ثبات منطقه ای نیست زیرا بر اثر درگیری های داخلی فلج شده و هدف اصلی آن که محافظت در برابر تهدیدات ناشی از ایران و عراق بود اثرکارکردی خود را از دست داده است. هر ساختار جدید منطقه ای باید براساس فرمول ۶ + ۳ باشد، ترتیبی که شامل شش کشور شورای همکاری خلیج فارس به علاوه عراق، ایران و یمن را نیز شامل شود. چنین چارچوبی بر تمهیدات امنیتی نرم، تمرکز بر همکاری در زمینه امداد رسانی در برابر بلایا، کمک های بشردوستانه، قاچاق مواد مخدر، بیماری های همه گیر، امنیت دریایی، امنیت زیارتی و تغییرات آب و هوایی تأکید می کند، اما همچنین شامل ترتیبات امنیتی سخت، تمرکز بر شفافیت در هزینه

های دفاعی، سلاح های جنگی، پایگاه های خارجی و سلاح های کشتار جمعی نیز باید باشد. (Parsi, 2021:17-19). پذیرش چنین چارچوبی برای کاهش تنش ها در منطقه خلیج فارس می تواند یکی از مولفه های مهم تعهد مجدد این کشور برای تعامل مجدد بین المللی اصولی باشد.

سیاست آینده ایالات متحده ممکن است به خاطر کوتاه کردن دست چین از منطقه، به دشمنی های چندین ساله پایان دهد و شروع جدیدی برای روابط عربستان و ایران باشد (Wintour, 2021). انتظار می رود دولت امریکا در افق آینده دیپلماسی را در اولویت کاری خود قرار دهد و با همکاری اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد و قدرتهای بزرگ آسیایی، برای تشویق به ایجاد گفتگوی درون خلیج فارس برای ایجاد ترتیبات امنیتی طولانی مدت، اقدام کند. پیش بینی میشود چشم انداز جدیدی در مورد سیاست خلیج ایالات متحده با تمرکز بر تقویت گفتگوی درون منطقه ای با تأکید بر دیپلماسی ظاهر شود. با این وجود کشورهای کوچک عربی خلیج فارس از ترس سلطه سعودی یا درگیر شدن احتمالی در ترتیبات امنیتی فراگیر تمایلی به حمایت از این رویکرد متمرکز بر منطقه ندارند. آنها ادامه حضور امریکا را ترجیح می دهند، در حالیکه ایالات متحده آمادگی لازم را برای اطمینان از امنیت خود دارد پیش بینی میشود که حفظ امنیت و ثبات منطقه ای نیازمند گفت وگوهای سازنده کشورهای حاشیه خلیج فارس بویژه ایران و سعودی باشد. دو کشور ایران و سعودی همواره تصور می کنند که آن کشور دیگر به دنبال تسلط بر منطقه است، ریاض میگوید که ایران در تلاش است تا پادشاهی سعودی را با متحدان منطقه ای خود ساقط کند و در حالی که تهران نیز عربستان را در اتحاد با امریکا برای تضعیف جمهوری اسلامی می بیند (Sager & Mousavian, 2021). این دو کشور باید در نهایت بتوانند در مورد اصول پیرامون عدم مداخله، رد خشونت، احترام به اقلیت های مذهبی و کنار گذاشتن استفاده از نیروهای نیابتی توافق کنند. (Ghantous, 2021).

روابط ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با موفقیت انقلاب اسلامی ایران در فوریه ۱۹۷۹ از حالت رقابت به جنگ تبدیل شده است. بی اعتمادی به رهبران جدید جمهوری اسلامی که خواستار صدور انقلاب به کشورهای همسایه بودند در هشت سال جنگ

ایران با عراق به اوج خود رسید. اختلافات فرقه ای باعث سرایت آن به دیگر کشورهای منطقه ، به ویژه، بحرین ، کویت و عراق پس از صدام شد. تصمیم ایران برای تحریک مجدد برنامه هسته ای خود به منظور صلح آمیز ، تنش های منطقه ای را تشدید کرده و بازیگران دیگر را به صحنه کشانده است . کشورهای کوچک عربی خلیج فارس بیشتر با ایران بیگانه شده و یا ترس از مورد تهدید قرار گرفتن دارند و این مسایل سبب شد نه تنها به یک مسابقه تسلیحاتی منطقه ای دامن زده شود بلکه فصل جدیدی از روابط این کشورها با اسرائیل نیز گشوده شود. اسرائیل شروع به رصد کردن برنامه هسته ای ایران به عنوان تهدید مستقیم برای امنیت ملی خود کرده و منجر به مشارکت مستقیم آن در منطقه خلیج فارس به تصور خود برای محدود کردن توانایی ایران شده است . با استفاده از فرصت هایی که روسیه و چین با بهره گیری از فرصت های جدید همکاری با ایران از انزوای ایران نصیب آنها شده و یا با قراردادهای جامع استراتژیک دو جانبه ۲۵ ساله با چین و ۲۰ ساله با روسیه نصیبشان خواهد شد ، پیش بینی میشود این منطقه از نظر بین المللی دو قطبی شود..نگرانی در مورد ایران همچنین باعث تغییر شکل اساسی منطقه ای در اتحادها شده است ، زیرا اسرائیل به بخشی جدایی ناپذیر از ترتیبات امنیتی منطقه ای شامل عربستان سعودی ، امارات و اسرائیل تبدیل شده است .

جنگ در یمن

رابطه جنگ یمن با ثبات منطقه خلیج فارس یک رابطه پیچیده است. اهمیت یمن برای کشورهای حاشیه خلیج فارس و به ویژه عربستان سعودی از موارد زیر ناشی می شود: (۱) موقعیت ژئواستراتژیک یمن در کنترل جریان ترافیک دریایی در دریای سرخ از طریق باب المندب. (۲) موضوع بحث برانگیز مرز سعودی و یمن، یمنی ها توافق نامه مرزی را ناعادلانه می دانند. (۳) تأثیرات بالقوه بی ثبات یمن در کشورهای حاشیه خلیج فارس بویژه در عربستان سعودی و امارات. (۴) تصور سعودی ها از یمن به عنوان سنگر امنیت جنوبی آن. به همین دلایل ، عربستان سعودی و امارات متحده عربی درگیر جنگ نیابتی با ایران در یمن هستند.

رقابتهای امنیتی در حوزه خلیج فارس، امنیت ملی ایران و سناریوهای محتمل

به باور بسیاری از صاحب نظران، تاکنون تصور عمومی این بوده است که خریداری نظامی کشورهای عربی بی ارتباط با اهداف استراتژیک و طرح کلی امنیتی از پیش تعیین شده بود و

بیشتر بر اساس میزان منابع مالی در دسترس، میل به کسب پرستیژ، گرایش به دریافت تسلیحات پیشرفته، خرید تسلیحات به منظور حفظ روابط حسنه با غرب و در نتیجه کمک غرب به حفظ رژیم خود و فساد اقتصادی و سیاسی انجام می‌گیرد. اما اکنون به نظر می‌رسد خریدهای تسلیحاتی کشورهای حوزه خلیج فارس مستقیماً با هدف تهدید و مقابله با ایران خریداری می‌شود. در مجموع بر اساس از سال ۲۰۰۳ به بعد کشورهای خاورمیانه رقم نجومی ۴۹۵ میلیارد دلار تسلیحات خریداری کرده‌اند که بخش اعظم آن سهم کشورهای حوزه شورای همکاری خلیج فارس است.

در حوزه نیروی دریایی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بر حفاظت برد کوتاه از خطوط ساحلی و منطقه انحصاری اقتصادی تمرکز دارند و به همین منظور سرمایه‌گذاری گسترده‌ای روی شناورهای گشت ساحلی با مشارکت واحد هلیکوپترهای توپدار صورت گرفته است. این شناورها.

بی تردید از میان کشورهای حوزه خلیج فارس به طور بالفعل تنها جمهوری اسلامی ایران با اتکاء به توانمندی‌های جمعی، بومی سازی امنیت را مناسب‌ترین راه برای بازگشت ثبات و آرامش منطقه می‌داند. به باور دولتمردان ایران، عدم حضور نظامی آمریکا و سایر قدرتهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس می‌تواند کشورهای منطقه را در اتخاذ سیاستهای داخلی، مستقلمتر، منخیر سازد. در حالی

که کشورهای حوزه خلیج فارس تا حدود زیادی تحت تأثیر تبلیغات قدرتها علیه ایران در قالب ایران هراسی و شیعه هراسی قرار دارند. این وضعیت و میل کشورهای حوزه خلیج فارس بر توازن قوا و خرید تسلیحات، آنان را به سوی قدرتهای فرامنطقه‌ای سوق می‌دهد. طبق این روند اشتها و میل روزافزون و همچنین ثروت نفتی، نیازها و غریزه قدرت طلبی این دسته از کشورها را ارضاء نموده و مسابقه تسلیحاتی را از شکل متعارف آن در آینده به سوی رقابت تسلیحات غیرمتعارف رهنمود مینماید.

ایران اگر بتواند شرایط جدید در منطقه گرابی نوین را ایجاد نماید امکان بهره مندی از موقعیتها را برای خود امکان پذیرتر نموده است.

منافع امنیت ملی ایران به روابط آن با ایالات متحده به شدت گره خورده است. سه عامل اولویت های امنیت ملی ایران را ایجاد کرده است: انقلاب ۱۹۷۹، سیاست خارجی ایران در برابر اسرائیل، و حملات ۱۱ سپتامبر. اینها باعث شده است که ایالات متحده به طور فزاینده ای سیاست های ناسازگار و خشن را در رابطه با ایران اتخاذ کند، از جمله تحریم های شدیدی که رشد اقتصادی و نظامی ایران را به میزان قابل توجهی کاهش داده است. نه تنها ایالات متحده با حضور نظامی قابل توجهی در ترکیه، عراق و خلیج فارس یک دشمن همه جانبه است، بلکه دارای قابلیت های موشکی و هسته ای فراتر از افق است که امنیت ایران را تهدید می کند.

ایران همچنین با انبوهی از تهدیدات منطقه ای از کشورهای متوسط تا کوچک متحد آمریکا مواجه است. محیط منطقه ای «آناشیک» ایران همه اجزای یک کابوس استراتژیک را دارد: همسایگانی با نگرش های خصمانه، غیردوستانه یا در بهترین حالت فرصت طلبانه دارد از سوی دیگر ایران بدون اتحاد با قدرت های بزرگ و رویارویی ۴۰ ساله با بزرگترین ابرقدرت تاریخ به حیات خود ادامه می دهد. در منطقه جنگ زده خاورمیانه (۵ جنگ بزرگ در کمتر از ۲۵ سال)، منطقه ای سرشار از مناقشات قومی-سرزمینی، ایران در مرزهای خود با یک جنبش فرامنطقه ای غالب وهابی-سلفی که از نظر ایدئولوژی و سیاسی، ایران و منطقه را با تهدید روبرو می کند. ایران در "مرکز غیرقابل کنترل" سیاست جهانی پس از جنگ سرد و پس از ۱۱ سپتامبر قرار دارد. (US Senate, 2020).

ایران رویکرد «خودیاری» را در سیاست خارجی در پیش گرفته است و به دنبال همسویی های راهبردی با هر کشور در هر کجا که می تواند می باشد. این بدان معناست که تهران فعالانه با کشورهای دارای روابط متخاصم با واشنگتن در تعامل شده است تا تهدیدات بار امنیتی پایداری را که ایالات متحده بر دوش آن گذاشته است را کاهش دهد. محور "حلقه طلایی" ایران، پاکستان، روسیه و چین ممکن است یکی از این پیشنهادها باشد. در نهایت این اتحاد می تواند یک بلوک مهم ضد ایالات متحده در سراسر اوراسیا تشکیل دهد و در این فرآیند، ایران را از نظر استراتژیک، نظامی، سیاسی و اقتصادی تقویت کند (Saleh and Yazdanshenas, 2020) با این حال، ایران دارای منافع متضادی با همه این کشورها به جز

چین دارد و چین به مراتب مرتبط ترین و مفیدترین آنها برای تهران است، به ویژه به این دلیل که چین ایران را به عنوان مهمترین شریک تجاری و منبع هیدروکربن خود در خاورمیانه می داند. برای پکن، ایران راهی برای خروج از چیزی است که چین به طور فزاینده ای متقاعد شده است که سیاست مهار ایالات متحده است. بر این اساس، چین برای تنوع بخشیدن به عرضه انرژی خود به ایران متکی است. انجام این کار به واردات نفت چین کمک می کند تا با عبور کمتر از تنگه مالاکا که تحت کنترل متحدان آمریکا در جنوب شرقی آسیا است، جلوگیری کند. چین قصد دارد با اطمینان از اتصال جریان گاز ایران به خطوط لوله از طریق بندر گوادر (بخشی از کریدور اقتصادی چین و پاکستان (سیپک) که بخشی از پروژه کمربند راه چین می باشد، بر این مخمصه استراتژیک غلبه کند. این به نوبه خود آمادگی چین را برای سرمایه گذاری در توسعه چابهار، بندر جنوب شرقی ایران که در حال ساخت است و پکن می تواند از آنجا به افغانستان، آسیای مرکزی و روسیه نیز دسترسی داشته باشد، نشان می دهد. برای ایران، کمربند-راه نشان دهنده فرصتی است در زمانی که قدرت های غربی از سرمایه گذاری بسیار مورد نیاز و فناوری پیشرفته برای توسعه زیرساخت های نفت و گاز و ظرفیت حمل و نقل خودداری می کنند» (Belt and Road News, 2019). پکن ممکن است از وارد شدن به درگیری های منطقه ای و پیچیده محتاط باشد، اما منافعش در یک سطح با تهران همسو است: این کشور در ایجاد روابط قوی تر با ایران تلاش میکند تا از واشنگتن انتقاد کند.

نتیجه

از آن جایی که ماهیت مباحث ژئواکو نومیک از نوع نرم افزاری هستند، به نظر میرسد تحلیل مسائل روابط ایران و چین و آمریکا از زاویه رویکرد ژئواکونومیک میتواند به فهم جدیدی از این روابط منجر شود. بخش عمده های از مطالعات جغرافیای سیاسی امروز در خصوص تحلیل نقش سیاست در فضای جغرافیایی است که یکی از ابعاد آن فضا بعد اقتصادی است که بخشهای زیادی از مسائل کشور را تحت تأثیر قرار داده است.

روابط چین و ایران ریشه در همکاری محدود عملگرا دارد اما در سالهای اخیر به مشارکتی تبدیل شده است که بیشتر با نظم بین المللی تحت رهبری ایالات متحده مخالف است. پکن مخالفت تهران با ایالات متحده را سبب افزایش نفوذ جهانی چین می داند که تا حدی باموضع

ضد امریکایی ایران در دوران شیوع ویروس کرونا در هماهنگی با چین این مساله را نشان داده شده است. اقدامات ایران در خاورمیانه و نیز تلاش های ایالات متحده برای تغییر تمرکز خود بر هند و اقیانوس آرام موضوع را پیچیده می کند. ایران به نوبه خود چین را به عنوان نجات حیاتی اقتصادی و حامی دیپلماتیک در برابر فشارهای ایالات متحده می داند. توافقنامه همکاری ۲۵ ساله که در مارس ۲۰۲۱ امضا شد، آخرین نشان از تمایل دو طرف برای هماهنگی بیشتر است.

یکی از عوامل محدود کننده مشارکت چین با ایران نگرانی دولت چین از چشم انداز درگیری مسلحانه بین ایران و ایالات متحده است. هرگونه درگیری با ایران می تواند بازارهای انرژی را بی ثبات کند که چین برای تقویت رشد خود به آن متکی است. پکن همچنین از ثبات بخشیدن به حضور نظامی ایالات متحده در خاورمیانه سود می برد، که به چین اجازه می دهد از ضمانت امنیت منطقه ای ایالات متحده آزادانه استفاده کند.

مشارکت فزاینده چین در خاورمیانه بزرگ تر، محدودیت مهم دیگری را بر روابط چین و ایران ایجاد می کند. طی دو دهه گذشته، تعمیق روابط دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی چین با دشمنان منطقه ای ایران، مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی، چین را مجبور کرده است که بین روابط خود با ایران و این شرکای نوظهور تعادل ایجاد کند. در همین حال ایران مشتاقانه به دنبال تجارت و سرمایه گذاری چین است، اما همچنان از اتکای بیش از حد اقتصادی به چین محتاط است.

چین علی رغم کاهش قابل توجه مشارکت اقتصادی خود به دلیل پیروی نسبی از تحریم های آمریکا، وضعیت خود را به عنوان بزرگترین شریک اقتصادی ایران حفظ کرده است. با این وجود، روشهای مختلف دور زدن به چین این امکان را داده است که با نقض این تحریمها به خرید نفت ایران ادامه دهد. چین به عنوان مشتری اصلی نفت ایران، در حالی که اهرم نفوذ خود را بر این کشور عمیق تر می کند، یک نجات اقتصادی برای رژیم ایران فراهم می کند. چین همچنین با سرمایه گذاری در زیرساخت های انرژی ایران و ادغام منطقه ای، به دنبال بهبود دسترسی خود به انرژی و مواد اولیه ایران است.

چین و ایران همکاری دفاعی متوسطی دارند. چین ده ها سال است که از برنامه های موشک های کروز و بالستیک ایران حمایت می کند، از جمله از طریق فناوری که احتمالاً حداقل در یکی از سیستم های موشکی مورد استفاده در حمله تهران به نیروهای آمریکایی در عراق در سال ۲۰۲۰ استفاده شده است. علیرغم علاقه تهران به خرید تسلیحات پیشرفته از چین، پکن ممکن است به دلیل نگرانی از به خطر انداختن روابط با شرکای خود در خلیج فارس، از فروش سلاح های درخواستی به ایران دریغ کند.

ایران روابط نزدیکتر با چین را برای حمایت از توسعه اقتصادی خود و اطمینان از حمایت پکن به ویژه در مواجهه با فشارهای ایالات متحده مهم می داند. اگرچه ایران علاقه زیادی به استقبال از حضور چین در خاورمیانه و تقویت روابط دارد، اما روابط دوجانبه همچنان یک طرفه است. در حالی که چین از مزایای منحصر به فردی برای ایران برخوردار است که تعداد کمی از کشورها مایل به ارائه آن هستند، عدم تقارن در روابط بین دو کشور عملاً به پکن اهرم های اقتصادی زیادی برای تسلط بر تهران می دهد ایران در این رابطه دوجانبه به مراتب طرف ضعیف تر است زیرا در شرایط کنونی ایران به وضوح به چین نیاز دارد، اما چین جایگزین هایی برای ایران دارد.

پی نوشت ها

۱. سرمایه گذاری های گرینفیلد به نوعی از سرمایه گذاری اشاره دارد که در آن یک شرکت مادر یک شرکت فرعی در یک کشور خارجی ایجاد می کند.
۲. سیستم ارزی جمهوری خلق چین که در سال ۱۹۴۸ معرفی شد.

فهرست منابع

- زهرا وجدی دستگردی و حسین دهکردی (۱۳۹۷) "بررسی حضور چین در خلیج فارس از منظر سیاسی و اقتصادی با تاکید بر روابط چین و ایران"، همایش جامعه علمی ایرانیان مقیم چین، بررسی فرایندها و دستاوردهای توسعه در چین،
<https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=94755>
 مختاری، حسین (۱۳۹۷) "بین مفهوم ژئواکونومی اقتصاد ژئوپلیتیکی و توصیه هایی برای ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک - سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷ - ۸۲.
- AidData (2017), "Global Chinese Official Finance Database" available at: <https://www.aiddata.org/data/chinese-global-official-finance-dataset>.
- Alterman, Jon (2019), "Chinese and Russian Influence in the Middle East" Jon written testimony for the *House Foreign Affairs Subcommittee on the Middle East, North Africa, and International Terrorism*, Hearing on Chinese and Russian Influence in the Middle East, May 9, 2019, 5.
- American Enterprise Institute (2020), "China Global Investment Tracker." *American Enterprise Institute*, available at: <https://www.aei.org/china-global-investment-tracker>.
- Borger, J., & Wintour, P. (2021, February 4), "Biden Announces End to US Support for Saudi-Led Offensive in Yemen", *The Guardian*, available in: <https://www.theguardian.com/world/2021/feb/04/us-end-support-saudi-led-operations-yemen-humanitarian-crisis>.
- Bozorgmehr, Sharafedin (2016), "Iran's Leader Says Never Trusted the West, Seeks Closer Ties with China," *Reuters*, January 23, 2016. available at: <https://www.reuters.com/article/us-iran-china/irans-leader-says-never-trusted-the-west-seeks-closer-ties-with-china-idUSKCN0V109V>.
- China's Foreign Ministry (2020), Foreign Ministry China Spokesperson Geng Shuang's Regular Press Conference on January 7, 2020, January 7, 2020. *Foreign Ministry China* available at: https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/xwfw_665399/s2510_665401/2511_665403/t1730049.shtml.
- China's Ministry of Foreign Affairs (2020) Foreign Ministry Spokesperson Geng Shuang's Regular Press Conference on March 16, 2020. May 16, 2020. *Foreign Ministry China* available at: https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/xwfw_665399/s2510_665401/t1756582.
- Connor, Tom (2020), "Iran Backs China, calls to Investigate U.S. 'Creation and Spread' of Coronavirus," *Newsweek*, March 18, 2020. <https://www.newsweek.com/iran-back-china-calls-us-coronavirus-1493041>; Patrick Tucker, "Iranian, Russia, Chinese Media Push COVID-19 'Bioweapon' Conspiracies," *Defense One*, March 10, 2020. available at: <https://www.defenseone.com/technology/2020/03/iran-andrussian-media-push-bioweapon-conspiracies-amid-covid19-outbreak/163669/>.
- China General Administration (2021), "Customs via CEIC Database". *China Ministry of Commerce* via CEIC Database. available at: <http://fta.mofcom.gov.cn/topic/engcc.shtml>.
- China Ministry of Commerce (2021) "China FTA Network", *China Ministry of Commerce* available at: <http://fta.mofcom.gov.cn/topic/engcc.shtml>.
- Calabrese, John (2020) "China's Maritime Silk Road and the Middle East: Tacking against the Wind," *Middle East Institute*, May 19, 2020, Available at:

- <https://www.mei.edu/publications/chinas-maritime-silk-road-and-middle-east-tacking-against-wind>.
- Central Bank of the Islamic Republic of Iran (2021), via “CEIC Database”, Available at <https://www.ceicdata.com/en/indicator/iran/external-debt>; World Bank, “Islamic Republic of Iran,” 2021. <https://www.worldbank.org/en/country/iran/overview>.
- Calabrese, John (2021), “China and Iran – An Unequal Friendship,” *Middle East Institute*, February 27, 2021, Available at: <https://www.mei.edu/publications/chinas-maritime-silk-road-and-middle-east-tacking-against-wind>.
- Connor, Tom (2019) “Iran Says Russia and China Are Offering Fighter Jets in Show of Support against U.S.,” *Newsweek*, August 29, 2019. <https://www.newsweek.com/iran-russia-china-fighter-jets-1456848>.
- Congressional Research Service (2020) “U.N. Ban on Iranian Arms Transfers and Sanctions Snapback,” *Congressional Research Service* October 16, 2020. <https://fas.org/sgp/crs/mideast/IF11429.pdf>.
- China Military Online (2018) “Senior Chinese Military Leaders Meet with Iranian Defense Minister,” *China Military Online* September 10, 2018. http://eng.chinamil.com.cn/view/2018-09/10/content_9277330.htm.
- CGTN (2021) “China Supports Holding Meetings with JCPOA Participants and U.S.,” March 1, 2021. *CGTN Institute* available at: <https://news.cgtn.com/news/2021-03-01>.
- Congressional Research Service (CRS) (2020, November 23). “Arms Sales in the Middle East: Trends and analytical Perspectives for U.S. Policy”. available in: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/R44984.pdf>.
- Dalga Khatinoglu (2020), “Iran’s Real Oil Exports Might Be Much Higher than Estimated: Tanker-Tracking Firm,” *Radio Farda*, August 9, 2020. <https://en.radiofarda.com/a/iran-s-real-oil-exports-might-be-much-higher-than-estimated/30773893.html>.
- Dettoni, Jacopo (2020), “The Biden Fix: Iran,” *FDI Intelligence*, November 17, 2020. Available at: <https://www.fdiintelligence.com/article/79077>.
- Erika, Holmquist and Johan, Englund (2020), “China and Iran – An Unequal Friendship,” *Swedish Defense Research Agency*, May 2020.
- Fassihi, Farnaz and Steven, Lee M CGTN eyers(2021), “China, with \$400 Billion Iran Deal, Could Deepen Influence in Mideast,” *New York Times*, March 27, 2021. <https://www.nytimes.com/2021/03/27/world/middleeast/china-iran-deal.html>.
- Financial Tribune (2019), “China Reopens \$1.9b L/C for Tehran-Qom-Isfahan Railroad Project,” December 18, 2019. <https://financialtribune.com/articles/domestic-economy/101287/china-reopens-19b-lc-for-tehran-qom-isfahan-railroad-project>.
- Ford, Lindsey and Hill, Max (2019) “China’s Evolving Ties with the Middle East,” *Asia Society*, August 8, 2019. <https://asiasociety.org/asias-new-pivot/china>.
- Fulton, Jonathan (2020) “U.S.-China Economic and Security Review Commission, hearing on U.S.-China Relations”, *Enduring Problems and Emerging Challenges*, September 9, 2020, 4.
- Gehrke, Joel (2019) “White House Blames China for Iranian Missile Threat,” *Washington Examiner*, May 8, 2019. <https://www.washingtonexaminer.com/policy/defense-national-security/white-house-blames-china-for-iranian-missile-threat>.
- Haider, Syed Fazl (2020) “The Strategic Implications of Chinese-Iranian-Russian Naval Drills in the Indian Ocean,” *China Brief*, January 17, 2020. <https://jamestown.org/program/the-strategic-implications-of-chinese-iranian-russian-naval-drills-in-the-indian-ocean>.
- Huang, Eustance (2018). “Chinese Investment in Israeli Tech Is Growing, and It’s ‘Quite Welcome’ for Some,” *CNBC*, July 19, 2018. <https://www.cnbc.com/2018/07/19/chinese->

- investment-in-israel-technology-is-growing-expert-says.html; Mustafa Abu Sneh, "Chinese Investment in Haifa Port Could Compromise US-Israel Intelligence Sharing: Report," Middle East Eye, February 1, 2021. <https://www.middleeasteye.net/news/israel-us-china-investment-intelligence-compromise-haifa-port>.
- Harold, S., & Nader, A. (2012), "China and Iran: Economic, Political, and Military Relations", *Santa Monica*: RAND. Retrieved March 01, 2020, from <https://www.jstor.org/stable/pdf/10.7249/j.ctt1q60w8.7.pdf?refreqid=excelsior%3A479d2ec224535ca7deafc758bb78628b>.
- Izadi, F., & Khodaei, E. (2017). "The Iran Factor in U.S.-China Relations: Guarded Engagement vs. SoftBalancing", *China Quarterly of International Strategic Studies*, 3, pp. 299-323. Retrieved March 01, 2020, from <https://www.worldscientific.com/doi/pdf/10.1142/S237740017500105>.
- Johanson, D. (2019), "Becoming a 'Responsible Power'? China's New Role during the JCPOA Negotiations". In D. Johanson, J. Li, & T. Wu, *New Perspectives on China's Relations with the World: National, Transnational and International* (pp. 159-173). *Bristol: E-International Relations Publishing*. Retrieved March 01, 2020, from <http://www.e-ir.info/wpcontent/uploads/2019/03/New-Perspectives-on-China%E2%80%99s-Relations-with-theWorld-E-IR.pdf#page=171>.
- Kerr, P. K., & Katzman, K. (2018). "Iran Nuclear Agreement and U.S. Exit". *Congressional Research Service*. Retrieved March 01, 2020, from <http://goodtimesweb.org/diplomacy/2019/R43333.pdf>.
- Lavender Au and Benjamin Wilhelm (2012) "U.S. Sanctions on Iran Boost China's Plans to Internationalize the Yuan," *World Politics Review*, October 14, 2020. <https://www.worldpoliticsreview.com/trend-lines/29135/u-s-sanctions-on-iran-boost-china-s-plans-to-internationalize-the-yuan>.
- Liming, Hua (2020). "The Iran Nuclear Issue and China's Middle East Diplomacy (伊朗核问题与中国中东外交)," *Arab World Studies* 6(November 2014): 13-15.
- Lincy, Valerie (2021) written testimony for "U.S.-China Economic and Security Review Commission", Hearing on China's Nuclear Forces, June 10, 2021. https://www.uscc.gov/sites/default/files/2021-06/Valerie_Lincy_Testimony.pdf; "Adherence to and Compliance with Arms Control, Nonproliferation, and Disarmament Agreements and Commitments.pdf.
- Luttwak, E. N. (1990, Summer). "From Geopolitics to Geo-Economics: Logic of Conflict, Grammar of Commerce". *The National Interest*, pp. 17-23. Retrieved April 12, 2020, from <https://www.jstor.org/stable/42894676>.
- Luttwak, E. N. (2000). *Turbo-Capitalism: Winners and Losers in the Global Economy*. New York: Harper Perennial.
- Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China (2020) "China-Arab States Cooperation Forum Holds Ninth Ministerial Conference", *Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China* July 6, 2020.
- Mehrdad, Ezzatullah (2021) "Moscow Conference on Afghan Peace: Two Steps Back for Women, One Step Forward for Peace," *Diplomat*, March 23, 2021. <https://thediplomat.com/2021/03/moscow-conference-on-afghan-peace-two-steps-back-for-women-one-step-forward-for-peace>.
- Miller, Wali (2020) "Trade Data Reveals Iran's Aluminum Supply-Chain from China, India, Guinea," Sayari, July 16, 2020. <https://sayari.com/blog/trade-data-reveals-irans-aluminum-supply-chain/>; Bozorgmehr Sharafedin and Pratima Desai, "Special Report.

- National Iranian Oil Co (2018) "West Karoun Output Keeps Rising," *National Iranian Oil* September 3, 2018.
<http://en.nioc.ir/Portal/home/?news/81365/71248/286799/West-Karoun-Output-Keeps-Rising>.
- Nikkei (2021) "China's Oil Imports from Iran Hit New High, Curbing OPEC Options," *OPEC*, March 30, 2021. <https://asia.nikkei.com/Business/Markets/Commodities/China-s-oil-imports-from-Iran-hit-new-high-curbing-OPEC-options>.
- Nye, J. S. (2020). *Do Morals Matter? Presidents and Foreign Policy from FDR to Trump*. New York: Oxford Press.
- Parsi, T. (2021). "Toward an Inclusive Security Arrangement in the Persian Gulf". Quincy Brief No. 7, Quincy Institute for Responsible Statecraft.
- Press TV (2018) "Iran to Sign First Major Post-Sanction Oil Deals This Month," March 3, 2018. <https://www.presstv.com/Detail/Fr/2018/03/03/554192/Iran-oil-deals-IPC-North-Azadegan>; *Financial Tribune*, "Yadavaran Oilfield Total Output Tops 100 Million Barrels.
- Reuters (2021) "Foreign Funds for Iran's Oil Sector a Top Priority: Oil Minister," *Reuters*, <https://www.reuters.com/article/us-iranoil-zanganeh/foreign-funds-for-irans-oil-sector-a-top-priority-oil-minister-idUSKCN1B00T0>; Nordea Trade, "Foreign Direct Investment(FDI) in Iran," 2021. <https://www.nordeatrade.com/en/explore-new-market/iran/investment>.
- Reed, Tristan and Trubetskoy, Alexandr (2019) "Assessing the Value of Market Access from Belt and Road Projects," *World Bank Group*, April 2019. <http://documents1.worldbank.org/curated/en/333001554988427234/pdf>.
- Roblin, Sebastien (2020) "Meet the Qiam Missile Iran Used to Blast a U.S. Airbase," *National Interest*, January 11, 2020. <https://nationalinterest.org/blog/buzz/meet-qiam-missile-iran-used-blast-us-airbase-112911>.
- Ross, D., & Satloff, R. (2021). "Defining a Mature, Balanced Relationship with Saudi Arabia: An Urgent Task for the Biden Administration" (Policy Notes 6). Washington Institute for Near East Policy, February 22. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/defining-mature-balanced-relationship-saudi-arabia-urgent-task-biden-administration>.
- Securing America's Future Energy (SAFE) (2018, September 21). "The Military Cost of Defending Global Oil Supply". Issue Brief, SAFE. <http://secureenergy.org/wp-content/uploads/2020/03/Military-Cost-of-Defending-the-Global-Oil-Supply.-Sep.-18.-2018.pdf>.
- Shana (2017) "Iran Welcomes Chinese Private Investors in Oil Projects," *Shana*, December 13, 2017. <https://en.shana.ir/news/280215/Iran-welcomes-Chinese-Private-Investors-in-Oil-Projects>.
- Statista (2014) "Breakdown of China's Crude Oil Imports in 2014, by Source Country," 2015. *Statista* <https://www.statista.com/statistics/221765/chinese-oil-imports-by-country/>.
- Stein, Jeff (2015) "How China Helped Iran Go Nuclear," *Newsweek*, July 14, 2015. <https://www.newsweek.com/2015/07/31/iran-nuclear-deal-china-karl-lee-353591.html>.
- Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI) (2020, March 9). "USA and France Dramatically Increase Major Arms Exports; Saudi Arabia Is Largest Arms Importer". SIPRI. <https://www.sipri.org/media/press-release/2020/usa-and-france-dramatically-increase-major-arms-exports-saudi-arabia-largest-arms-importer-says>.
- TASS (2021) "Russian, Iranian Navies Kick Off Joint Drills in Indian Ocean," February 15, 2021. <https://tass.com/defense/1256465>; Jared Szuba, "Iran, Russia, China to Conduct Joint Naval Exercise in Indian Ocean," *Al-Monitor*, February 9, 2021. <https://www.almonitor.com/pulse/originals/2021/02/iran-russia-china-naval-drill.html>.

- Trading Economics (2020) "Iran Current Account," 2020. <https://tradingeconomics.com/iran/current-account>; Bijan Khajepour, "Iran Turns to Bonds to Solve Budget Crisis," *Al-Monitor*, June 3, 2020. <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2020/06/iran-budget-deficit-economy-bonds-rial.html>.
- U.S. Department of Defense (2019) Indo-Pacific Strategy Report, June 1, 2019. *U.S. Department of Defense* <https://media.defense.gov/2019/Jul/01/2002152311/-1/-1/1/DEPARTMENT-OF-DEFENSE-INDO-PACIFIC-STRATEGY-REPORT-2019.PDF>.
- U.S. Energy Information Administration, Iran, January 7, 2022. *EIA*, <https://www.eia.gov/international/analysis/country/IRN>; Worldometer, "Iran Population," Jan 21, 2022. <https://www.worldometers.info/world-population/iran-population/>.
- United States Institute of Peace (2020) "Last among Equals: Iran - China Relations," October 6, 2020. *United States Institute of Peace* <https://iranprimer.usip.org/blog/2020/oct/06/last-among-equals-iran-china-relations>; China Ministry of Commerce via CEIC Database; American Enterprise Institute, "China Global Investment Tracker." <https://www.aei.org/china-global-investment-tracker/>.
- UN Conference on Trade and Development (2020) "General Profile: Iran (Islamic Republic of)," *UN Conference on Trade and Development*, November 6, 2020. <https://unctadstat.unctad.org/countryprofile/generalprofile/en-gb/364/index.html>; Nordea Trade, "Foreign Direct Investment (FDI) in Iran," 2021. <https://www.nordeatrade.com/en/explore-new-market/iran/investment>.
- U.S. Department of State (2017), "Iran, North Korea, and Syria Nonproliferation Act Sanctions", *U.S. Department of State*, March 24, 2017. <https://2017-2021.state.gov/iran-north-korea-and-syria-nonproliferation-act-sanctions/index.html>.
- Verma, Nidhi and Zhang, Shu (2021) "Iran Slips Record Volume of Oil into China, Reaches out to Asian Clients for Trade Resumption," *Reuters*, March 8, 2021. <https://www.reuters.com/article/us-oil-iran-asia-analysis/analysis-iran-slips-record-volume-of-oil-into-china-reaches-out-to-asian-clients-for-trade-resumption-idUSKBN2B00OL>.
- Witte, Carice and Aluf, Dale (2021). "Drawing the Curtain on China-Israel Cooperation?" East Asia Forum, January 26, 2021. <https://www.eastasiaforum.org/2021/01/26/drawing-the-curtain-on-china-israel-cooperation/>; *Reuters*, "Israel, U.S. Near Deal to Exclude China from Israeli 5G Networks: U.S. Official," August 14, 2020. <https://www.reuters.com/article/us-israel-usa-5g-china-idUSKCN25A2CF>.
- Xu, Muyu and Aizhu, Chen (2020) "China's Primary Energy Use to Peak in 2035 – CNPC Research," *Reuters*, December 17, 2020. <https://www.reuters.com/article/us-china-energy-cnpc-forecast/chinas-primary-energy-use-to-peak-in-2035-cnpc-researchidUSKBN28ROSE>.
- Xinhua (2016), "China, Iran Upgrade Ties to Carry Forward Millennia-Old Friendship," *Xinhua*, January 25, 2016. <http://www.scio.gov.cn/32618/Document/1465769/1465769.htm>.
- Zhou, Oceana (2021) "China's 2020 Crude Imports from US Surge 211% to 396,000 b/d, Valued at \$6.28 Bil," S&P *Global*, January 20, 2021, available at: <https://www.spglobal.com/platts/en/market-insights/latest-news/oil/012021-china-data-2020-crude-imports-from-us-surge-211-to-396000-bd-valued-at-628-bil>.

